

واکنش های تاریکی

در این بخش به این موضوع می پردازیم که مولکول های پرانرژی چگونه برای تولید ترکیبات قندی یا کربوهیدرات ها مورد استفاده گیاه قرار می گیرند.

الف- چرخه کلوین: در سالهای بین ۱۹۴۶ تا ۱۹۵۳ سه تن از دانشمندان به نامهای

ملوین کلوین، جیمز بشام و آندروبنسون راه متابولیکی تبدیل گازکربنیک به قند را در

گیاهان کشف کردند. آنها این کار را از طریق پیگیری از بین رفتن گازکربنیک رادیواکتیو

نشان دار $^{14}CO_2$ در کشت های سلول های جلبک انجام داده اند. آزمایشهای اولیه کلوین

نشان داد جلبک هایی که به مدتی که دقیقه و یا بیشتر در معرض گازکربنیک نشان دار

قرار گرفته بودند، ترکیب پیچیده ای از متابولیت های نشان دار، شامل قندها و اسیدهای

آمینه تولید کردند. با وجود این، تجزیه جلبکی که ۵ ثانیه در معرض گازکربنیک نشان

دار قرار گرفته بود نشان داد که اولین ترکیب پایدار رادیواکتیو فعال که در جلبک تشکیل

گردید ۳- فسفوگلیسرات یا ۳PG بوده است که در ابتدا فقط از طرف گروه کربوکسیل

(-COOH) نشان دار شده است. این نتایج بلافاصله این پیشنهاد را مطرح می سازد که

۳PG توسط کربوکسیلاسیون یک ترکیب دوکربنه به دست آمده است. چنین ماده پیش

ساختی تاکنون کشف نشده است. چنانچه واکنش کربوکسیلاسیونی واقعاً اتفاق بیفتد

فقط روی یک قند ۵ کربنه به نام ریبولوز -۵- فسفات یا RU5P انجام می گیرد.

در نتیجه کربوکسیلاسیون قند ۵ کربنه ریبولوز -۵- فسفات، یک قند ۶ کربنه به دست می آید که به دو ترکیب سه کربنه تجزیه می گردد و هر کدام از این ترکیبات سه کربنه به یک ملکول ۳PG تبدیل می گردند. راه کلی این تغییر و تبدیل را که در شکل شماره ۲۱۹ نشان داده شده است، چرخه کلوین و یا چرخه احسای پنتوز فسفات می نامند. این راه شامل کربوکسیلاسیون پنتوز، تشکیل ترکیبات قندی و بازیافت ریبولوز -۵- فسفات یا Ru5P می باشد.

در جریان جستجوی یافتن کربوکسیلاسیون ماده مور اثر، ترکیبات حد واسط نشان دار فراوان دیگری کشف گردیدند. به عنوان مثال در مراحل اولیه راه، فقط کربن های شماره ۳ و ۴ در قند ۶ کربنه فروکتوز -۱، ۶- بیس فسفات یا FBP نشان دار هستند، ولی در مراحل بعدی تعداد کمتری از کربن های این قند نشان دار شده و شماره این کربن ها کمتر از ترکیبات قند در مراحل اولیه راه است. مشاهده جریان حرکت کربن نشان دار در انواع مختلف قندهای سه، پنج، شش و هفت کربنه ساختمان اصلی راه متابولیکی پیشندی کلوین را مشخص می کند که به طور کامل در شکل شماره ۲۱۹ آمده است. واقعیت بسیاری از واکنش هایی که قبلاً به صورت پیش بینی بیان شده بود در مطالعات بعدی آزمایشگاهی با استفاده از آنزیم های مختلف به تأیید رسیده است.

۱- چرخه کلونین در یک فرایند دو مرحله ای از گاز کربنیک GAP تولید

می کند- چرخه کلونین را می توان به دو مرحله تقسیم کرد:

مرحله اول- مرحله تولید (قسمت بالایی شکل شماره ۲۱۹) که در آن سه مولکول

ریبولوز -۵- فسفات یا Ru5p با سه مولکول گازکربنیک برای تولید ۶ مولکول

گلیسرآلدئید -۳- فسفات یا GAP وارد واکنش می شوند. در این واکنش های

بیوشیمیایی ۹ مولکول ATP و ۶ مولکول NADPH مورد استفاده قرار می گیرد. طبیعت

چرخه ای این راه متابولیکی باعث می شود که این فرایند بتواند به ازای هر سه مولکول

گازکربنیک مصرفی، معادل یک مولکول گلیسرآلدئید -۳- فسفات یا GAP تولید نماید.

در این نقطه از راه متابولیکی یک مولکول GAP می تواند از چرخه خارج شده و در

راههای دیگر متابولیکی مورد استفاده سلول قرار گیرد.

مرحله دوم: مرحله بازیافت (قسمت پایینی شکل شماره ۲۱۹) که در آن اتم های کربن

۵ مولکول گلیسرآلدئید -۳- فسفات یا GAP باقیمانده ، شبه راه پنتوز فسفات، در یک

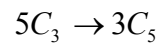
سری از واکنش های بیوشیمیایی شرکت می کند تا اینکه در نهایت برای شروع مجدد

چرخه، سه مولکول ریبولوز -۵- فسفات تولید نمایند. این مرحله را می توان به چهار

سری واکنش به صورت زیر تقسیم کرد. شماره واکنش ها با شماره آنها در شکل

شماره ۲۱۹ مطابقت دارد:

به طور کلی می توان چرخه کلوین را در معادله ساده ذیل خلاصه کرد:



باید به این نکته توجه کرد که مرحله دوم چرخه کلوین بدون استفاده از مولکول های

پرانرژی ATP و NADPH انجام می گیرد.

اولین واکنش چرخه کلوین فسفوریلاسیون ریبولوز-۵- فسفات یا Ru5P به کمک

آنزیم فسفوریبولوکیناز است که در این واکنش ریبولوز-۵، ۵- بیس فسفات یا RuBP

تولید می گردد. بعد از کربوکسیلاسیون، مولکول RuBP مولکول ۳- فسفوگلیسرات به

دست آمده ابتدا به مولکول ۱،۳- بیس فسفوگلیسرات یا BPG تبدیل شده و سپس به

GAP تبدیل می شود.

مرحله دوم چرخه کلوین با واکنش ایزومریزاسیون مولکول گلیسرآلدئید-۳- فسفات به

دی هیدروکسی استون فسفات یا DHAP توسط آنزیم تریوز فسفات ایزومراز آغاز می

شود که این واکنش برعکس واکنش معروف شماره ۵، راه گلیکولیز است. بعد از این

واکنش، دی هیدروکسی استون فسفات می تواند در مسیر دو راه یکسان وارد واکنش

های بیوشیمیایی بعدی شود: واکنش ها شماره ۶ تا ۸ و یا واکنش های شماره ۹ تا ۱۱،

واکنش های شماره ۶ و ۹ از چرخه کلوین، واکنش های تراکم عامل آلدئیدی با دی هیدروکسی استون فسفات است که این واکنش ها به کمک آنزیم آلدولاز کاتالیز می شوند. نتیجه آن اتصال دی هیدروکسی استون فسفات به یک آلدئید است. واکنش شماره ۶ همچنین برعکس واکنش شماره ۴، راه گلیکولیز است. واکنش های شماره ۷ و ۱۰ واکنش های هیدرولیز فسفات هستند که از هر کدام از این واکنش ها، یک مولکول فسفات معدنی Pi تولید می شود و این واکنش به ترتیب توسط آنزیم هایی به نامهای فروکتوز بیس فسفات از یا FBPase و سدوهیتولوز بیس فسفات از یا sbpASE کاتالیز می شوند. باقیمانده واکنش های چرخه کلوین توسط آنزیم هایی کاتالیز می شوند که در آن پنتوز فسفات نیز همین واکنش ها را کاتالیز می نمایند. در واکنش های شماره ۸ و ۱۱ که هر دو توسط آنزیم ترانس ستولاز کاتالیز می شوند، یک واحد دو کربنه ستونی از یک قند ستوزی به مولکول گلیسرآلدئید -۳- فسفات منتقل می گردد و در نتیجه یک قند ۵ کربنه ستوزی به نام گزیلولوز -۵- فسفات یا Xu5P تولید می شود. در نتیجه انجام این واکنش ها فرآورده های دیگری نیز تولید می شوند که عبارتند از قند ۴ کربنه آلدوزی به نام اریتروز -۴- فسفات یا E4P که از واکنش شماره ۸ و ریپوز -۵- فسفات یا R5P که از واکنش شماره ۱۱ به دست می آیند. قند اریتروز -۴- فسفات یا E4P تولیدی در واکنش شماره ۸ به عنوان یکی از دو واکنش گر، وارد واکنش شماره ۹ می شود. مولکول

های گزیلولوز -۵- فسفات یا Xu5P تولیدی در واکنش های شماره ۸ و ۱۱ به کمک آنزیم فسفوپیتوزاپیمراز در واکنش شماره ۱۲ به ریبولوز -۵- فسفات یا Ru5p تبدیل می شود. ریبولوز -۵- فسفات یا R5P به دست آمده از واکنش شماره ۱۱ نیز به نوبه خود توسط آنزیم ریبولوز فسفات ایزومراز در واکنش شماره ۱۳ به Ru5P تبدیل می شود و در نتیجه چرخه کلوین تکمیل می گیرد. از ۱۱ آنزیمی که در چرخه کلوین فعال هستند، تنها سه آنزیم در بافت های حیوانی وجود ندارند که عبارتند از فسفوریبولوکیناز، ریبولوز بیس فسفات کربوکسیلاز و سدوهپتولوز بیس فسفاتاز یا SBPase .

۲- آنزیم ریبولوز بیس فسفات کربوکسیلاز واکنش تثبیت گاز کربنیک را کاتالیز می نماید:

یکی از مهمترین آنزیم های جهان که واکنش تثبیت گاز کربنیک را کاتالیز می نماید، ریبولوز بیس فسفات کربوکسیلاز یا RuBP carboxylase است، زیرا تقریباً تمامی حیات روی کره زمین بستگی به فعالیت آن دارد. این پروتئین احتمالاً به علت پایین بودن راندمان کاتالیزوری بستگی به فعالیت آن دارد. این پروتئین احتمالاً به علت پایین بودن راندمان کاتالیزوری (Kcat تقریباً برابر $3s^{-1}$)، حدود ۵۰ درصد پروتئین های برگ را تشکیل می دهد، بنابراین فراوان ترین نوع پروتئین در عالم حیات است. آنزیم ریبولوز

بیش فسفات کربوکسیلاز در گیاهان عالی و اغلب موجودات ذره بینی فتوسنتزی از ۸ زیر واحد بزرگ (L) (۴۷۷ باقیمانده اسیدهای آمینه در برگهای توتون) رمز گشایی شده توسط DNA کلروپلاست و ۸ زیر واحد کوچک (S) (۱۲۳ باقیمانده اسید آمینه) رمزگشایی شده توسط ژن موجود در هسته، تشکیل شده است و این آنزیم را با L_8S_8 نشان می دهند. مطالعات اشعه X که از این آنزیم توسط کارل-ایواربراندن و دیوید ایزنبرگ انجام گرفته است، نشان می دهد که آنزیم L_8S_8 تقارن یک منشور مکعبی را دارد. زیر واحد بزرگ آنزیم از یک زنجیر پلی پپتیدی با ساختمان غالب بتا (β) و یک ساختمان فزری شکل α/β حاوی جایگاه فعال آنزیم، تشکیل شده است (شکل شماره ۲۲۰). وظیفه زیر واحد کوچک آنزیم L_8S_8 هنوز مشخص نشده است.

راهکار پذیرفته شده نحوه عمل آنزیم RuBP کربوکسیلاز که در حد وسیعی توسط خود کلوین مشخص شده بود در شکل شماره ۲۲۱ نشان داده شده است. در اولین واکنش آنزیم، یک پروتون از کربن شماره ۳ ریبولوز بیس فسفات جذب می کند. این واکنش که محدود کننده سرعت عمل آنزیم است مولکول اندیولات تولید می کند که این مولکول در حمله هسته دوستی به مولکول گازکربنیک شرکت می کند. در نتیجه این واکنش، مولکول بتاستواسید به دست می آید که بالافاصله از کربن شماره ۴ مورد حمله آب قرار می گیرد و به یک ترکیب ۶ کربنه حد واسط تبدیل شده که این ترکیب به دو مولکول

سه کربنه شکسته می شود. محصول نهایی این فرایند دو مولکول ۳- فسفوگلیسرات یا ۳PG است. نیروی محرکه تولید مولکول های ۳PG واکنش تجزیه ترکیب حدواسط بتاستواسید می باشد که این واکنش می تواند در شرایط استاندارد و PH فیزیولوژیک (Ph=۷) انرژی معادل ۳۵/۱ کیلو ژول بر مول تولید نماید.

شکل شماره ۲۲۰ نشان می دهد که پروتئین L_8S_8 دارای ساختمان چهار بعدی است و محورهای چهارتایی آن به طرف بیننده می باشد. همچنین ساختمان یک زیر واحد بزرگ پروتئین را نشان می دهد که در آن دو نوع پروتئین α و α/β دو قسمت غالب پروتئین را تشکیل می دهند.

واکنش ریبولوز بیس فسفات کربوکسیلاز از طریق تولید یک ترکیب حد واسط اندیولات انجام می گیرد که با شرکت در یک حمله نوکلئوفیلی به گاز کربنیک یک بتا ستواسید تولید می گردد.

آنزیم ریبولوز بیس فسفات کربوکسیلاز برای فعالیت، نیاز به یون منیزیم دارد و احتمالاً در پایدار کردن بارهای منفی که در جریان کاتالیز تولید می شوند، شرکت می کند. یون منیزیم همچنین با یک گروه مهم کاتالیزوری به نام گروه کاربامات (-NH-COO-) پیوند می یابد.

۳- گلیسرآلدئید-۳- فسفات پیش ساخت گلوکز-۱- فسفات و سایر

فراورده های بیوستتزی است.

مجموعه واکنش های چرخه کلوین را می توان در معادله ذیل خلاصه کرد:

محصول اولیه فتوستتزی، یعنی گلیسرآلدئید-۳- فسفات در راهای متنوع متابولیکی خارج و

یا داخل کلروپلاست مورد استفاده قرار می گیرد. به عنوان مثال به کمک آنزیم های دیگر

راه کلوین، این مولکول می تواند به فروکتوز-۶- فسفات و سپس به کمک آنزیم های

فسفوگلوکز ایزومراز و فسفوگلوکومیوتاز به گلوکز-۱- فسفات تبدیل شود. گلوکز-۱-

فسفات، پیش ساخت قندهای دیگر در گیاهان به حساب می آید، که مهمترین این قندها

عبارتند از ساکاروز (مهمترین قند حامل برای تحویل کربوهیدرات ها به سلولهای

غیرفتوستتزی)، نشاسته (پلی ساکارید اصلی ذخیره های گیاه) و سلولز (سازنده ساختمان

دیواره سلولی سلول های گیاهی). با توجه به نوع گیاه و راه متابولیکی، ماده مورد اثر

آنزیم یعنی گلوکز-۱- فسفات با تشکیل یکی از ترکیبات مانند ADP, CDP, GDP- و

یا UDP- گلوکز فعال می شود. واحد گلوکز در نهایت به پایانه یک زنجیر پلی

ساکاریدی در حال رشد اضافه می گردد.

ب- کنترل چرخه کلوین: گیاهان در طول روشنایی روز، انرژی مورد نیاز خود را از طریق انرژی نوری و واکنش های فتوسنتز که در پناه نور (تاریکی) انجام می گیرند تأمین می کنند و در طول شب و تاریکی، مانند سایر موجودات زنده، باید از انرژی ذخیره ای خود برای تولید مولکول های پرانرژی مانند ATP و NADPH از طریق راههای متابولیکی گلیکولیز، فسفوریلاسیون اکسیدی و پنتوز فسفات استفاده کنند. به علت اینکه استرومای کلروپلاست حاوی آنزیم های راه گلیکولیز، پنتوز فسفات و همچنین چرخه کلوین است، بنابراین باید یک راهکار کنترل حساس به نور در استروما باشد تا از هدر دادن محصولات فتوسنتز جلوگیری نماید.

مطالعات نشان می دهد که کنترل مواد ورودی به یک راه متابولیکی از طریق تنظیم فعالیت آنزیم مربوط به واکنش هایی انجام می گیرد که از حالت تعادل، بسیار فاصله دارند، یعنی تغییرات انرژی آزاد آنها بسیار منفی است. از جدول شماره ۳۷ می توان چنین استنباط کرد که بهترین واکنش هایی که می تواند در کنترل چرخه کلوین دخالت نمایند واکنش های شماره ۲، و ۱۰ از شکل شماره ۲۱۹ می باشند که به ترتیب توسط سه آنزیم RuBP کربوکسیلاز، FBPase و SBPase کاتالیز می شوند. در حقیقت راندمان کاتالیزی این سه آنزیم در شرایط موجود زنده از یکدیگر متفاوت می باشد.

فعالیت آنزیم ریبولوز بیس فسفات کربوکسیلاز بستگی به سه عامل وابسته به نور دارد:

۱- PH: در روشنایی به علت پمپ شدن پروتون از استروما به طرف حفره داخلی تیلاکوئید، PH استرومهای کلروپلاست گیاه تقریباً از ۷/۰ به ۸/۰ افزایش می یابد. بهترین PH فعالیت آنزیم ریبولوز بیس فسفات کربوکسیلاز نزدیک به ۸ است.

۲- غلظت یون منیزیم: پروتون هایی که در اثر تابش نور به حفره داخلی تیلاکوئید منتقل می شوند در مقابل باعث حرکت و خروج یون های منیزیم از حفره داخلی به طرف استروما می گردند. یون های منیزیم خروجی از حفره داخلی تیلاکوئید در تحریک فعالیت آنزیم ریبولوز بیس فسفات کربوکسیلاز دخالت دارند.

۳- در بسیاری از گیاهان ترکیبی به نام ۲- کربوکسی آرابینیتول -۱- فسفات یا CA1P تولید می شود که این ترکیب از فعالیت ریبولوز بیس فسفات کربوکسیلاز یا RuBP فقط در تاریکی جلوگیری می کند. (شکل شماره ۲۲۲).

آنزیم های FBPase و SBPase با افزایش PH و غلظت یون منیزیم و همچنین NADPH می شوند. تأثیر این عوامل توسط یک سیستم کنترل کننده ثانویه که به پتانسیل اکسیداسیون و احیای استروما پاسخ می دهد، کامل می شود. یک نوع پروتئین با وزن مولکولی ۱۲ کیلودالتون به نام تیوردوکسین که در اغلب انواع سلول ها وجود دارد، حاوی یکگروه دی سولفیدی سیستین (Cystine) می باشد که به وط برگشت پذیری احیا می شود. تیوردوکسین احیاشده، هردو آنزیم FBPase و SBPase را به کمک یک

واکنش تعویض دی سولفیدی فعال می سازد (شکل شماره ۲۲۳). سطح اکسیداسیون و احیای تیوردوکسین توسط دومین آنزیم حاوی دی سولفید به نام فرودکسین- تیوردوکسین رداکتاز ابقا می شود. این آنزیم به طور مستقیم به وضعیت و حالت اکسیداسیون و احیای فرودوکسین محلول پاسخ می دهد. اندازه این پاسخ به میزان روشنای بستگی دارد. سیستم تیوردوکسین همچنین آنزیم فسفوفورکتوکیناز یا PFK را غیرفعال می سازد. این آنزیم مهمترین عامل انجام واکنش های متابولیکی گلیکولیز به حساب می آید. بنابراین در گیاهان، نور باعث تحریک چرخه کلون می شود ولی از فعالیت گلیکولیز جلوگیری می نماید، در حالی که تاریکی اثر معکوس دارد و به همین علت معروف است که واکنش های فتوسنتزی تاریکی در تاریکی انجام نمی گیرند.

شکل شماره ۲۲۳- نحوه عمل فعال سازی آنزیم های FBpase و SBpase به کمک نور، فتوسیستم I که در اثر نور فعال شده است فرودوکسین (Fd) محلول را احیا می کند.

شکل شماره ۲۲۳ نشان می دهد که چگونه فرودوکسین احیا شده آنزیم فرودکسین- تیوردوکسین رداکتاز را احیا می سازد و این آنزیم به نوبه خود پیوند دی سولفیدی تیوردوکسین را احیا می کند. تیوردوکسین احیا شده به کمک تعویض دی سولفید، یا بیس فسفاتاز غیرفعالی وارد واکنش می شود و در نتیجه این آنزیم کنترل کننده چرخه کلون را فعال می سازد.

ج- تنفس نوری: از سال ۱۹۶۰ میلادی این موضوع شناخته شده بود که گیاهان در روشنایی از طریق یک راه متابولیکی، جدای از فسفوریلاسیون اکسیدی، اکسیژن مصرف می کند و گاز کربنیک خارج می سازند. در حقیقت در سطح پایین گاز کربنیک و سطح بالای اکسیژن، فرایند تنفس نوری بر تثبیت گاز کربنیک از راه فتوسنتز برتری می یابد. اساس و پایه پدیده تنفس نوری غیر قابل انتظار است: اکسیژن و گاز کربنیک به عنوان مواد مورد اثر آنزیم ریبولوز بیس فسفات کربوکسیلاز با هم رقابت می کنند، به همین دلیل این آنزیم را همچنین ریبولوز بیس فسفات کربوکسیلاز- اکسیژناز یا روبیسکو نیز می نامند. در واکنش اکسیژناز، اکسیژن با ماده مورد اثر دیگر آنزیم، یعنی ریبولوز بیس فسفات، وارد واکنش می گردد و مولکول های ۳- فسفوگلیسرات یا ۳pg و ۲- فسفوگلیکولات را تولید می کند (شکل شماره ۲۲۴). ۲- فسفوگلیکولات به کمک آنزیم های مختلف در پراکسی زوم و میتوکندریون تا حدودی اکسید شده و به گاز کربنیک تبدیل می شود. بنابراین تنفس نوری، قسمتی از کارهای فرایند فتوسنتز را بی اثر می سازد.

۱- تنفس نوری، مولکول های ATP و NADPH را از بین می برد- راه متابولیکی تنفس نوری در شکل شماره ۲۲۵ نشان داده شده است. مولکول گلیکولات از کلروپلاست وارد پراکسی زوم یا گلی اکسی زوم می شود و در آنجا به کمک آنزیم

گلیکولات اکسیداز اکسیده شده و به گلی اسیلات و پراکسید هیدروژن (H_2O_2) تبدیل می گردد. پراکسید هیدروژن عامل اکسید کننده خطرناکی است که به کمک یک آنزیم حاوی هم به نام کاتالاز به آب و اکسیژن تجزیه می شود. گلی اسیلات می تواند در یک واکنش انتقال عامل آمین به گلیسین تبدیل شده و وارد میتوکندی گردد. در داخل میتوکندری دو مولکول گلیسین به یک مولکول سرین و یک مولکول گازکربنیک تبدیل می شود. این واکنش منبع تولید گازکربنیک در تنفس نوری به حساب می آید. اسید آمینه سرین مجدداً به داخل پراکسی زوم بر می گردد و در آنجا یک واکنش انتقال عامل آمینی، آن را به هیدروکسی پیرووات تبدیل می کند.

در ادامه راه متابولیکی تنفس نوری هیدروکسی پیرووات، در داخل پراکسی زوم، به کمک آنزیم هیدوکسی پیرووات رداکتاز، احیا شده و به گلیسرات تبدیل می شود. در داخل سیتوزول، گلیسرات فسفوریله شده و به ۳-فسفوگلیسرات تبدیل می شود و این ترکیب مجدداً وارد کلروپلاست می گردد و در آنجا توسط چرخه کلوین به ماده اولیه، یعنی ربیولوز بیس فسفات تبدیل می گردد. نتیجه نهایی این چرخه پیچیده تنفس نوری این است که مقداری از مولکول های پرانرژی ATP و NADPH که توسط واکنش های نوری فتوسنتز تولید شده بودند، بدون اینکه مورد استفاده گیاه قرار بگیرند، از بین می روند.

اگر چه تنفس نوری وظیفه متابولیسی شناخته شده ای ندارد، ولی آنزیم ریبولوز بیس فسفات کربوکسلاز جدا شده از انواع مختلف موجودات زنده فتوستتزی که تاکنون مورد آزمایش قرار گرفته اند، دارای فعالیت اکسیژناز نیز می باشند.

۲- گیاهان C_4 گاز کربنیک را متراکم می کنند. در یک روز گرم و کاملاً روشن، زمانی که فرایند فتوستتز غلظت گاز کربنیک در کلروپلاست را کاهش و غلظت اکسیژن را افزایش می دهد، سرعت فتوستتز، به سرعت تنفس نوری نزدیک می شود. این پدیده یکی از مهمترین عوامل محدود کننده شد بسیاری از گیاهان به حساب می آید که برای رفع آن مطالعات زیادی انجام گرفته است. یکی از آنها اصلاح ساختار ژنتیکی گیاهان است و هنوز به نتیجه مثبت نرسیده است. با وجود این، انواع معینی از گیاهان مانند نیشکر، ذرت و اغلب علفهای هرز مهم، مجهز به چرخه متابولیسی هستند که می توانند گاز کربنیک را در سلولهای فتوستتزی متراکم کنند و در نتیجه، تقریباً به طور کامل از تنفس نوری جلوگیری می شود. برگهای گیاهان دارای چرخه معروف C_4 از ویژگی های ساختمانی خاصی برخوردار می باشند. رگ برگهای نازک این گیاهان به صورت متراکم از یک تک لایه به نام سلول های پوششی رشته ای احاطه شده اند و این لایه پوششی توسط یک لایه از سلول های مزوفیل پوشیده شده است.

در سال ۱۹۶۰ میلادی مارشال هیچ و روجر اسلک چرخه C_4 را کشف کردند (شکل شماره ۲۲۶). این چرخه موقعی شروع می شود که سلول های مزوفیل فاقد آنزیم ریبولوز بیس فسفات کربوکسیلاز هستند و گاز کربنیک هوا را جذب می کنند. آنزیم کربنیک آنهیدراز گاز کربنیک جذب شده را به صورت یون بیکربنات (HCO_3) تثبیت و متراکم می کند و این یون در واکنشی که به کمک آنزیم فسفوانول پیرووات کربوکسیلاز یا PEP انجام می گیرد با یک مولکول فسفوانول پیرووات ترکیب شده و به اگزالواستات تبدیل می گردد. اگزالواستات به کمک کوآنزیم NADPH احیا شده و به مالات تبدیل می شود و این ترکیب چهارکربنه که مبنای نامگذاری این چرخه به C_4 است، به سلوله ای پوششی رشته ای وارد می شود. در داخل سلول های پوششی رشته ای، مالات به کمک کوآنزیم $NADP^+$ و تحمل دکربوکسیلاسیون اکسیدی همراه با حذف یک مولکول گازکربنیک، به پیرووات و یک مولکول NADPH تبدیل می شود. گازکربنیک که به این شکل جمع می شود وارد چرخه کلوین می گردد. پیرووات به سلول های مزوفیل بر می گردد تا پس از فسفوریلاسیون به ترکیب اولیه، یعنی فسفوانول پیرووات تبدیل شود. آنزیمی که این واکنش را کاتالیز می نماید یعنی پیرووات فسفات دی کیناز عمل غیرمعمولی را در فعال سازی گروه فسفات از خود نشان می دهد، به طوری که با مصرف یک مولکول ATP یک مولکول AMP و یک مولکول پیروفسفات Ppi تولید می

کند و پیروفسفات با تجزیه بیشتر که معادل مصرف یک مولکول دیگر ATP است به دو مولکول فسفات معدنی PI تبدیل می شود. بنابراین به ازای تجمع هر گاز کربنیک در سلول های پوششی رشته ای. دو مولکول ATP مورد مصرف قرار می گیرد. بنابراین با احتساب سه ATP مورد نیاز در چرخه کلونین فرایند فتوسنتز در گیاهان C_4 به ازای هر مولکول گازکربنیک جذب شده، به طور کلی با مصرف ۵ مولکول ATP همراه است.

گیاهان C_4 در مناطق گرمسیری به فراوانی دیده می شوند، زیرا آنها می توانند سریع تر از گیاهان C_3 در شرایط گرم و آفتابی رشد کنند. گیاهان C_3 به گیاهانی گفته می شود که تثبیت گازکربنیک در آنها به کمک یک اسیدسیه کربنه انجام می گیرد. در مناطق سردسیری که میزان تنفس نوری گیاهان پایین است گیاهان C_3 دارای امتیاز هستند، زیرا این دسته از گیاهان برای تثبیت گاز کربنیک نیاز به انرژی کمتری دارند.

۳- گیاهان CAM گازکربنیک را از طریق تغییری در چرخه ذخیره می کنند. و اریته هایی از گیاهان C_4 وجود دارند که در آنها مرحله گرفتن گاز کربنیک و انجام واکنش های چرخه کلونین از نظر زمانی با هم اختلاف دارد. به عنوان مثال می توان از گیاهان آبدار کویری نام برد. اگر این گیاهان روزنه خود را برای گرفتن گاز کربنیک در طول روشنایی روز باز کند، مانند سایر گیاهان، مقدار قابل توجهی رطوبت خود را در اثر تبخیر از دست می دهند. برای به حداقل رسانیدن این ضایعه رطوبتی، این گیاهان آبدار کویری گاز

کربنیک را صرفاً در شب هنگام دریافت می کنند و با استفاده از واکنش های راه
متابولیکی C_4 آن را به صورت ملات ذخیره می سازند. این فرایند را کراسیولاسن اسید
متابولیسم یا CAM می نامند. علت استفاده از کلمه کراسیولاسن این است که برای اولین
بار در گیاهان خانواده کراسیولاسه کشف گردید. مقدار قابل توجهی فسفوانول پیرووات
لازم است تا گازکربنیک تولید شده روزانه گیاه را که با تجزیه نشاسته از طریق گلیکولیز
به دست آمده است، ذخیره نماید. در جریان روشنایی روز، ملات به گازکربنیک و
پیرووات شکسته می شود. گازکربنیک به چرخه کلون وارد شده و پیرووات در تولید
مجدد نشاسته مورد استفاده قرار می گیرد. بنابراین گیاهان CAM قادر هستند تا فتوسنتز
را با کمترین ضایعات آب انجام دهند.

متابولیسم ازت در گیاهان

مقدمه

یکی از ترکیبات تشکیل دهنده بسیاری از مواد مهم موجود در سلولهای زنده، ازت است. مهمترین این ترکیبات که بیشتر مورد توجه هستند عبارتند از اسیدهای آمینه، پروتئین ها (آنزیم) و اسیدهای نوکلئیک (DNA , RNA) در حالی که سایر ترکیبات ازت دار، مانند پلی آمین ها و کلروفیل ممکن است نقش مهمی در برخی از موجودات زنده ایفا نمایند. اغلب جانوران توانایی هضم و استفاده از ازت غیرآلی را ندارند و همچنین نمی توانند نیمی از اسیدهای آمینه مورد نیاز خود را تولید نمایند، مگر اینکه تولید پروتئین ها به کمک باکتریهای، مانند باکتریهای شکمبه نشخوارکنندگان، انجام گیرد. اگر چه ازت براحتی در هوا قابل دسترس است، ولی صرفاً تعدادی از باکتری ها می توانند ازت هوا را تثبیت کنند و آمونیاک تولید نمایند در نگاه اول به نظر می رسد بحث تثبیت ازت در گیاهان عجیب باشد، زیرا گیاهان قادر به تثبیت ازت در خود نیستند. تثبیت در پریکاریوت ها (باکتری ها) مانند سیانوباکترها که می توان آنها را گیاهان اولیه نامید، به اثبات رسیده است. مطالعات نشان می دهد که ارتباط بسیار نزدیکی بین باکتری های تثبیت ازت و گیاهان آلی وجود دارد که اهمیت آنها به اندازه ای است که می توان

یک کتاب مستقل در این مورد به رشته تحریر در آورد. گیاهان به یک منبع ازت غیر آلی نیاز دارند. از مقدار کل ازتی که در جهان زنده وجود دارد، ۹۹/۹۵٪ آن را ازت موجود در هوا و یا ازت محلول تشکیل می دهد که این مقدار برابر با $10^5 \times 4$ تن می باشد اغلب گیاهان ازت مورد نیاز خود را از یون های نیترات و آمونیوم موجود در خاک و یا آب تأمین می کنند و سالیانه میلیون ها پوند از این ترکیبات به عنوان کودهای ازته به منظور بهبود و ابقای کیفیت مناسب تولید فراورده های کشاورزی مورد استفاده قرار می گیرد. علاوه بر مشکل گرانی کودهای ازته، استفاده بیش از حد این ترکیبات باعث ورود آنها به رودخانه دریاچه ها و اقیانوس ها می گردد و اضافه بر این منبع دقیق کودهای ازته هنوز مورد بحث می باشد.

در اغلب گیاهان، نیترات تنها منبع ازت به حساب می آید که توسط ریشه گیاه از زمین جذب می شود. آمونیاک به صورت یون آمونیوم (NH_4^+) در خاکهای بدون هوای اسیدی وجود دارد و برخی از گیاهان مانند برنج و سوزنی برگها می توانند آن را مسقیماً از این نوع خاک ها جذب کنند. ازت پس از جذب در ریشه به قسمت های در حال رشد گیاه منتقل می شود. در نهایت ازت در بذر ذخیره می شود و در محصولاتی که از نظر کشاورزی بسیار مهم هستند مانند غلات و حبوبات، ارزش اقتصادی بالائی به وجود می آورد. شکل شماره ۲۲۷ مسیر ساده مهم ترین راههای متابولیسم ازت را در گیاه نشان می

دهد. مطالعات سالهای اخیر پیشرفتهای زیادی از دانش ما را نسبت به نحوه رمزگشایی تعدادی از ژن های مربوط به آنزیم هایی که در متابولیسم ازت دخالت دارند، به وجود آورده است.

جذب نیترات

به علت فقدان یک نشانگر رادیواکتیو مناسب، مطالعات روی چگونگی جذب ازت بخوبی انجام نگرفته است. کوششهایی با استفاده از $^{36}ClO_3^-$ و در سالهای اخیر با استفاده از ایزوتوپ ناپدار $^{13}NO_3^-$ به ریشه گیاه یک منحنی استاندارد سینتیکی میکائیلیس - منتن (شکل شماره ۲۲۸) از خود نمایش داد و این سیستم به عنوان سیستم حمل و نقل با همخوانی بالا یا HATS نام گرفت.

احیای نیترات

نیترات در دو مرحله توسط آنزیم های نیترات ردوکتاز و نیتريت ردوکتاز احیا شده و به آمونیاک تبدیل می گردد، نیترات تبدیل می گردد. نیترات توسط آنزیم نیترات ردوکتاز: و نیتريت توسط آنزیم نیتريت رودکتاز:

قدرت احیاکنندگی برای احیای نیترات توسط کوآنزیم NADH تأمین می گردد، در حالی که برای انتقال ۶ الکترون به منظور احیای نیتريت نیاز به فرودوکسین می باشد. احیای

نیترات می تواند در ریشه و یا در ساقه جوان اتفاق بیفتد و بستگی به نوع گیاه، سن رشد و موجودی نیترات گیاه دارد. به طور کلی با افزایش غلظت نیترات موجود در خارج بافت گیاه، نسبتی که برای انجام فرایند احیا به داخل ساقه جوان گیاه وارد می شود نیز افزایش می یابد. آنزیم نیتريت ردوكتاز به طور كامل در كلروپلاست یا پلاستید وجود دارد. علی رغم مطالعات فروانی که انجام گرفته است تا کنون حضور آنزیم نیترات ردوكتاز كلروپلاست مورد تأیید قرار نگرفته است. این آنزیم در سیتوپلاسم سلول واقع است، ولی به هنگام احیای نیترات ممکن است به طور موقت به غشای كلروپلاست متصل گردد. چنین سیستمی باعث انتقال سریع نیتريت به داخل كلروپلاست می شود و از تولید و تجمع متابولیت های سمی جلوگیری می کند.

نیترات ردوكتاز

الف- ساختمان- نیترات ردوكتاز(NR)، آنزیم وابسته به کوآنزیم NADH، از دو زیر واحد مساوی با تقریباً ۱۰۰ کیلو دالتون تشکیل شده است و حاوی مولیبدات، مو-پترین، هین و FDA می باشد. در این آنزیم دو جایگاه فعال وجود دارد، در یک جایگاه NADH به FAD الکترون می دهد و این الکترون های به دست آمده را در دومین جایگاه فعال به آهن هیم و از آنجا به مولیبدن مو-پترین منتقل می سازد. بنابراین نیترات در دومی جایگاه فعال آنزیم به نیتريت احیاء می شود. سه بخش غالب مشخص در

قسمت پروتئینی آنزیم وجود دارد که عبارتند از: ۱- مو-پترین، ۲- پروتئین حاوی آهن و ۳- جایگاه متصل به FAD، دو منطقه محوری به اندازه تقریباً ۳۰ باقیمانده اسید آمینه بین بخشهای غالب پروتئینی، آنزیم را به یکدیگر متصل می سازد.

ب- ژنتیک و بیولوژی مولکولی- بعد از مطالعات اولیه ای که روی باکتری ها و قارچ ها انجام گرفت، در گیاهان آلی موتان هایی بررسی گردید که فاقد فعالیت آنزیم NR بوده اند. در گیاه جو یک ژن ساختمانی به نام nar1 تشخیص داده شد است. در موتان گیاهانی که فاقد آنزیم نیترات ردوکتاز وابسته به NADH بوده اند آنزیمی با دو گرایش ویژه وابسته به NADH و NADPH وجود دارد. در سایر گیاهان، شواهدی وجود دارد که نشان می دهد، حداقل دو ژن وجود دارد که مسؤل رمز گشایی آنزیم نیترات ردوکتاز وابسته به NADH می باشد.

تنظیم فعالیت آنزیم نیترات ردوکتاز در انواع مختلف گیاهان مورد مطالعه قرار گرفته است. همان طوری که انتظار می رود نحوه کنترل فعالیت آنزیم در گونه های مختلف گیاهان متفاوت است، ولی در همه گیاهان نقاط مشترکی نیز وجود دارد. موقعی که یک گیاه در معرض نیترات قرار می گیرد، افزایش قابل توجهی در فعالیت قابل استخراج آنزیم نیترات قرار می گیرد، افزایش قابل توجهی در فعالیت قابل استخراج آنزیم نیترات

ردوکتاز و پروتئین، در برگها و شاخه های جوان، دیده می شود. در حقیقت آنزیم نیترات ردوکتاز یکی از اولین آنزیم های بود که تولید آن در گیاهان آلی به اثبات رسید.

نیتريت ردوكتاز

نیتريت ردوکتاز، آنزیم وابسته به فرودوکسین (NiR)، از یک زیر واحد با وزن مولکولی ۶۰ تا ۶۴ کیلو دالتون تشکیل شده است. زنجیر پلی پپتیدی این آنزیم، حاوی یک گروه پروستتیک سیروهمیم و خوشه $4S - 4Fe$ در جایگاه فعال می باشد.

جداسازی موتان های گیاهانی که فاقد فعالیت آنزیم نیتريت ردوكتاز هستند بسیار مشکل است. این مشکل تا حدودی به علت سمی بودن آن است که اثرهای تخریب کننده های روی متابولیسم خواهد داشت. اخیراً گزارشی مبنی بر جداسازی موتان فاقد فعالیت آنزیم نیتريت ردوكتاز از گیاه جو گزارش شده است. گیاه باید روی محیطی از غلظت پایین آمونیاک یا گلوتامین به عنوان منبع تأمین کننده ازت باقی بماند.

قطعه ای از DNA کروموزومی اسفناج و ذرت، مولد آنزیم نیتريت ردوكتاز شناسایی شده است. ژن مولد این آنزیم منشأ هسته ای دارد. همانندی قابل توجهی بین ترتیب قرار گرفته اسیدهای آمینه آنزیم های موجود در اسفناج و ذرت (۸۶٪) وجود دارد، ولی این همانندی در قطعه DNA کروموزومی کمتر (۶۶٪) می باشد.

آنزیم نیتريت ردوكتاز توسط نيترات و نور كنترل مي شود. افزايش فعاليت اين آنزيم به علت توليد پروتئين در گياه است، ولي فعاليت آنزيم و پروتئين حتي در غياب كامل نيترات نيز انجام مي گيرد.

مصرف آمونياك در گياه

همان طوري كه گفته شد محصول مصرف نيترات در گياه، آمونياك است. مطالعات قبلي نشان مي داد كه آمونياك در واكنش آميناسيون احيايي ملكول ۲- اگزوگلوكتارات كه به وسيله آنزيم گلوكتامات دهيدروژناز يا GDH كاتاليز مي شود، شركت كرده و به صورت تركيب آلي از ته در مي آيد. تحقيقات بعدي نشان داد كه اين آنزيم موجود در ميتوكندري در جهت تجزيه گلوكتامات و تبديل آن به ۲- اگزوگلوكتارات براي استفاده در واكنش هاي متابوليكي چرخه كربن، در شرايطي كه امكان دسترسي به كربوهيدرات محدود مي گردد، بويژه با شروع پيري گياه فعاليت مي كند. در بافت هاي گياهي هفت از ايزوآنزيم از آنزيم GDH تاكنون شناسايي شده است. مطالعاتي كه روي موتان هاي گياه ذرت و آرابيدوپسيس تاليانا انجام گرفته است نشان مي دهد كه دو ژن در توليد اين آنزيم دخالت دارند كه از آنها تكثير شده است. شواهد متعددي نشان مي دهد كه آنزيم گلوتامين سنتتاز همراه با آنزيم گلوكتامات سنتتاز، تنها بندر ورودي آمونياك در ساختمان اسيدهاي آمينه در گياهان عالي مي باشد.

گلوتامین سنتتاز

گلوتامین سنتتاز (GS) واکنش وابسته به ATP، تبدیل گلوتامات را به گلوتامین کاتالیز می کند (شکل شماره ۲۳۰). آنزیم فوق همخوانی بسیار بالایی نسبت به آمونیاک دارد و در همه بافت های گیاهی یافت می شود.

آنزیم گلوتامین سنتتاز یک پروتئین هشت زیر واحد با وزن مولکولی طبیعی ۳۵۰ تا ۴۰۰ کیلو دالتون می باشد. از نظر اندازه و ساختمان نوع چهارم، این آنزیم شباهت زیادی به آنزیم های جدا شده از حیوانات دارد، ولی با آنزیم موجود در باکتری ها متفاوت است، زیرا این آنزیم ها از ۱۲ زیر واحد تشکیل شده اند. از گره های ریشه گیاهان که در تثبیت ازت فعال هستند، آنزیم گلوتامین سنتتاز با فعالیت بسیار زیاد استخراج شده است. آنزیم های گلوتامین سنتتاز موجود در گره های ریشه لوبیا را می توان به دو ایزوزیم به نامهای GS_{n1} و GS_{n2} تقسیم کرد که دومین ایزوزیم یعنی GS_{n2} شباهت زیادی به آنزیم موجود در سایر قسمت های ریشه دارد. آزمایشهایی که روی زیر واحدهای آنزیم گره های ریشه انجام گرفته است نشان می دهد که سه شکل ساختمانی با نقطه ایزوالکتریکی مشخص به نامهای β ، α و γ با وزن مولکولی ۴۳ کیو دالتون در ساختمان آنها وجود دارد. GS_{n1} حاوی زیر واحدهای β و γ می باشد، در حالی که GS_{n2} صرفاً از زیر واحد β تشکیل شده است. در برگها دو ایزوزیم مهم شناسایی شده اند، یکی از GS_1 واقع در

سیتوپلاسم و دیگری GS_2 که در کلروپلاست وجود دارد. نسبت این دو ایزوزیم به یکدیگر ممکن است بسته به گیاه مورد مطالعه و سن بافت گیاهی متفاوت باشد. شکل سیتوپلاسمی GS در سیستم آوندی گیاه دیده می شود و احتمالاً در تولید گلوتامین برای انتقال به سایر بافت های گیاه شرکت می کند. نوع کلروپلاستی آنزیم از یک زیر واحد بزرگ با وزن مولکولی ۴۳ تا ۴۵ کیلو دالتون به نام Δ تشکیل شده است. زنجیر پلی پپتیدی این آنزیم در ریبوزوم های سیتوپلاسمی تولید شده و با حذف یک پپید ناقل به اندازه ۴-۵ کیلو دالتون، به داخل کلروپلاست منتقل می گردد.

مطالعاتی که روی گیاه لوبیا انجام گرفته است بخوبی نشان می دهد که آنزیم گلوتامین سنتتاز به وسیله یک خانواده کوچک چند ژنی رمزگشایی می شود. یک مدل ساده از نحوه کنترل ژنی تولید این آنزیم در لوبیا در شکل شماره ۲۳۱ نشان داده شده است. نقش پنجمین ژن یعنی $g\ln-\varepsilon$ هنوز بدرستی مشخص نشده است. در ایزوزیم های موجود در کلروپلاست و سیتوپلاسم، همخوانی و تشابه زیادی (۷۴٪) از نظر ترتیب قرار گرفتن اسیدها آمینه در ساختن زنجیر پپتیدی آنزیم وجود دارد.

ظهور و فعالیت آنزیم گلوتامین سنتتاز موجود در کلروپلاست برگها، احتمالاً از طریق فیتوکروم و یک گیرنده نور آبی، تنظیم می گردد. در برگهای گیاه گندم فعالیت این آنزیم با افزایش سن برگ زیاد می شود و ارتباط و وابستگی روشنی بین توان فعالیت های

فتوسنتزی و تنفس نوری گیاه وجود دارد. در گیاه نخود، RNA پیامبر مربوط به ایزوزیم GS_2 کلروپلاستی شاخه هایی که در تاریکی روییده بودند بعد از ۷۲ ساعت تابش نور به آنها، افزایش یافت. نسخه برداری RNA پیامبر مربوط به آنزیم GS_1 سیتوپلاسمی در شروع پیری و خشکی گیاه افزایش می یابد. فعالیت آنزیم گلوتامین سنتتاز در گیاهان خانواده نخود در جریان جوانه دهی و تشکیل گره چندین برابر افزایش می یابد.

گلوتامات سنتاز

این آنزیم در انتقال گروه آمینی از گلوتامین به ۲-آگزوگلوتارات برای تولید دو مولکول گلوتامات فعالیت می کند (شکل شماره ۲۳۲). از این آنزیم دو شکل ساختمانی متفاوت در گیاهان دیده شده: یکی از آنها از فرودکسین احیا شده به عنوان منبع احیاکننده استفاده می کند و دیگری الکترون های مورد نیاز خود را از کوآنزیم NADH تأمین می کند. این دو ایزوزیم از نظر ایمنی شناسی دارای ویژگی های متفاوتی هستند.

آنزیم گلوتامات سنتازی که وابسته به فرودکسین است، با غلظت بالایی در برگهای گیاه وجود دارد و صرفاً در کلروپلاست گیاه دیده می شود. این آنزیم یک فلاووپروتین آهن-گوگرددار است که از یک تک زنجیر پلی پپتیدی با وزن مولکولی ۱۶۵-۱۴۰ کیلو دالتون تشکیل شده است. در حالی که ایزوزیم دیگر یعنی گلوتامات سنتاز وابسته به NADH در برگهای ستز با غلظت پایینی وجود دارد، ولی در آوندهای برگهای گیاه برنج، فعالیت

زیادی از این آنزیم دیده شده است. پدیده مذکور نمایانگر آن است که این آنزیم همراه با آنزیم همراه با آنزیم گلوتامین سنتتاز سیتوپلاسمی GS_1 ممکن است نقش کلیدی مهمی در تولید اسیدهای آمینه مورد نیاز برای انتقال ازت ایفا نماید. آنزیم گلوتامات سنتتاز، وابسته به NADH، به مقدار زیادی در گروه های ریشه گیاهان خانواده بقولات که در تثبیت ازت فعال هستند، وجود دارد. این ایزوزیم به صورت یک مونومر با وزن مولکولی تقریباً ۲۰۰ کیلو دالتون دیده شده است که به نظر می رسد یکی از سنگین ترین زیر واحدهای آنزیمی باشد که تاکنون شناسایی شده است.

آمینوترانسفرازها

آمینوترانسفرازها یا ترانس آمینازها واکنش انتقال گروه آمینی را از موقعیت شماره ۲ یک اسید آمینه به یک ۲-اگزواسید برای تولید یک اسید آمینه جدید و یک ۲-اگزواسید جدید کاتالیز می نمایند. این واکنش های برگشت پذیر نیاز به حضور کوآنزیم پیریدوکسال-۵-فسفات دارد که به آنزیم آمینوترانسفراز پیوند یافته است. گلوتامات مهمترین اسید آمینه ای است که در این واکنش ها گروه آمینی خود را تقدیم می کند و در دو واکنش مهم شرکت می کند (شکل شماره ۲۳۳).

در هر دو واکنش که توسط آنزیم آمینوترانسفراز کاتالیز می شود، ۲-اگزوگلو تارات تولید می شود که ممکن است پس از تولید به چرخه آنزیم های گلوتامین سنتتاز و

گلوتامات سنتاز برگرداند. آنزیم آمینوترانسفراز را در همه گیاهان و اندامک های داخل سلول پیدا کرده اند. در اندامک ها و جایگاه های داخل سلول این آنزیم باعث تولید اسیدهای آمینه، تنفس نوری، فتوستتاز گیاهان C_4 ، تولید متابولیت های ثانویه، حامل های هیدروژن و کربن، انتقال و ابقای مجموعه اسیدهای آمینه نسبتاً پایدار می گردد. در صورتیکه آگرواسیدهای مناسب، پیش ساخت های اسیدهای آمینه، فراهم گردند. آمینوترانسفرازها قادرند تا به استثنای پرولین تمام اسیدهای آمینه شرکت کننده در ساختمان پروتئین های طبیعی را تولید کنند. بنابراین ازت می تواند براحتی از گلوتامات، از طریق آسپاراتات و آلانین، بین تمام اسید آمینه های دیگر منتقل شود. برگشت پذیری واکنش های انتقال عامل آمینی، امکان تغییر ناگهانی در نیاز به اسیدهای آمینه کلیدی را می دهد. اگرچه در راه های متابولیکی ویژه ای مانند تنفس نوری آنزیم های معینی تمایل به ایفای وظیفه، صرفاً در یک جهت واکنش دارند. آمینوترانسفرازها آنزیم هایی هستند که می توانند از تعداد متنوعی آمینو و آگرو اسید به عنوان ماده مورد اثر استفاده نمایند. آمینوترانسفرازها انواع مختلفی هستند که مهمترین آنها آسپاراتات آمینوترانسفراز یا AspAT می باشد. ایزوزیم های متعددی از این آنزیم در گیاهان گزارش شده است و مطالعات نشان می دهد که هر یک از اندامک داخل سلول مانند میتوکندری، کلروپلاست و پراکسی زوم و همچنین سیتوپلاسم هر کدام دارای ایزوزیم مربوط به خود می باشند.

وزن مولکولی AspAT بین ۹۵ تا ۱۱۰ کیلو دالتون متفاوت است و از دو زیر واحد تشکیل شده است.

ذخیره ازت و انتقال آن

مواردی وجود دارد که گیاه نیاز به انتقال ازت از یک بافت به بافت دیگر دارد. به عنوان مثال می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱- از گره های تثبیت کننده ازت ریشه به برگها و میوه گیاه.

۲- از برگهای مسن به برگهای جوان و میوه گیاه،

۳- از لپه ها یا آندوسپرم بذر در حال جوانه زدن به ساقه در حال رشد و نوک ریشه.

در موارد فوق معمولاً میزان کربن قابل دسترس محدود می شود و ازت از طریق بافت چوبی و یا آبکش به صورت یک ترکیب با نسبت ازت به کربن بالا، منتقل می شود.

آسپاراژین در همه گیاهان آلی به عنوان یک ترکیب حمل کننده و ذخیره ای ازت مورد

استفاده قرار می گیرد، اگر چه گلوتامین و آرژینین، توسط برخی دیگر از گیاهان استفاده

می شود. به این نکته باید توجه شود که نسبت ازت به کربن در آسپاراژین برابر با ۲:۴

در حالی که در گلوتامات این نسبت به ۱:۵ کاهش می یابد.

الف- متابولیسم آسپاراژین- ازت گروه آمیدی آسپاراژین مستقیماً از گروه آمیدی

گلوامین دریافت می شود. این واکنش را آنزیم آسپاراژین سنتتاز یا AS کاتالیز می نماید.

(شکل شماره ۲۳۴). بنابراین آمونیاک در یک واکنش بیوشیمیایی و با مصرف دو مولکول

ATP به صورت مولکول آسپاراژین در می آید. مولکول گلوتامات می تواند مجدداً توسط آنزیم گلوتامین سنتتاز به گلوتامین بازیافت گردد.

لپه های بذور در حال جوانه زدن و گره های ریشه بقولات منابع مهمی از نظر وجود

آنزیم آسپاراژین سنتتاز به حساب می آیند. این آنزیم برای فعالیت خود نیاز به یون کلر

دارد و در حضور یون کلسیم فعالیت آن متوقف می گردد. به علت وجود مهار کننده این

آنزیم در برگ، ارزیابی و حتی پالایش آن از برگ گیاه با موفقیت همراه نبوده است.

ساده ترین راه کاتابولیسیم آسپاراژین از طریق فعالیت آنزیم آسپاراژیناز است. در این

واکنش آسپاراژین به آسپاراتات و آمونیاک تبدیل می شود (شکل شماره ۲۳۵). این آنزیم

در برگهای جوان در حال رشد وجود دارد و نقش مهمی در رشد و نمو بذور در حال

بلوغ بقولات ایفا می نماید. آمونیاک آزاد شده دوباره از طریق فعالیت آنزیم های

گلوتامین سنتتاز و گلوتامات سنتتاز مورد استفاده گیاه قرار می گیرد. در بذور بقولات در

حال بلوغ، فعالیت آنزیم ممکن است مستقل و یا وابسته به حضور پتاسیم باشد. حالت

طبیعی این آنزیم از دو زیر واحد تشکیل شده است و وزن مولکولی آن از ۵۸ کیلو

دالتون تغییر می کند.

ب- اورثیدها- سه ترکیب مهم بر اساس ساختمان شیمیایی اوره در گیاهان یافت شده است که عبارتند از: آلانتوئین آلانتوتئیک اسید و سیترولین (شکل شماره ۲۳۶). آلانتوئین و آلانتوتئیک اسید، ۵۰ تا ۹۰ درصد ازت آلی موجود در آوند چوبی بسیار از گیاهان مناطق گرمسیری خانواده بقولی، مانند سویا، گیاه آبله گاوی و لوبیای جنس فازنولس، را تشکیل می دهند. شواهد محکمی وجود دارد که ترکیبات مشتق از اوره در گره های ریشه بقولات پس از جذب ازت تولید می شوند. بعد از اینکه گره های ریشه سویا به مدت ۱۰ دقیقه در معرض $^{13}N_2$ قرار گرفت، ۴۰٪ رادیواکتیویتی در ترکیب آلانتوتئیک اسید قرار می گیرد.

راه متابولیکی تولید مشتقات اوره طولانی و بسیار پیچیده و خارج از محدوده بحث این کتاب است. آلانتوئین و اسید آلانتوتئیک از ترکیبی به نام پورین اینوزین مونوفسفات به دست می آید. با تأمین ازت از گلوتامین، آسپاراتات و گلیسین، پورین اینوزین مونوفسفات از ریبوز -۵- فسفات تولید می شود. شابرث و بولند در یک مقاله علمی بسیار ارزنده راه متابولیکی تولید این ترکیبات را بتفصیل ذکر کرده اند.

شایان ذکر است، موقعی که آلانتوئین و آلانتوتئیک اسید به بذور در حال رشد و یا جوانه ها می رسند، دریک راه متابولیکی به یک ترکیب ازت دار مورد استفاده تبدیل می شوند. تصور اولیه بر این بوده است که بعد از هیدرولیز آلانتوئین به آلانتوتئیک اسید، به کمک

آنزیم آلانتوئیناز، اورئید به دو مولکول اوره و گلی اکسیلات تجزیه می شود. با وجود این، نقش اوره و تجزیه بعدی آن به گازکزنیک و آمونیاک، مورد سؤال است و به همین دلیل راه متابولیکی دیگری پیشنهاد شده است. در این راه، چهار اتم از ساختمان آلانتوئیک اسید به صورت مستقیم و بدون اینکه به اوره، به عنون ترکیب حدواسط، تبدیل گردد، به شکل آمونیاک آزاد می شود. (شکل شماره ۲۳۷)

نقش آمونیاک در متابولیسم گیاهان

نکته قابل توجهی که همواره در مطالعات مربوط به متابولیسم گیاهان به آن توجه شده، این است که آمونیاک همواره یکی از ترکیباتی بود که در فرآیندهای مختلف متابولیکی تولید می شود.

۱- مصرف اولیه - آمونیاک محصول احیای نیترات و تثبیت ازت در گیاه است.

۲- تنفس نوری - آمونیاک با سرعت خیلی زیاد در تبدیل گلیسین به سرین در فرآیند

تنفس نوری و در داخل میتوکندری آزاد می شود که اغلب آمونیاک تولید شده در

کلروپلاست مجدداً مورد استفاده قرار می گیرد.

۳- متابولیسم ترکیبات حامل - در جریان تخریب و شکسته شدن آسپارژین، آرژینین و

اورئیدها آزاد می شود.

۴- واکنش های اسیدهای آمینه ویژه - آمونیاک در جریان واکنش های متابولیکی برخی از اسیدهای آمینه تولید می شود. این واکنش ها عبارتند از: تبدیل فنیل آلانین به سینامات در جریان تولید لیگنین، تبدل سیستاتیونین به هموسیستین در جریان تولید متیونین و تبدل ترئونین به -۲ اگزوبوتیرات در جریان تولید اسید آمینه ایزولوسین.

۵- کاتابولیسم پروتئین- پروتئین ها در جریان جوانه زدن بذور و یا پیر شدن برگها ممکن است هیدرولیز شوند. مطالعات بخوبی نشان می دهد که قبل از تولید ترکیبات حامل در گیاه، آمونیاک احتمالاً از طریق فعالیت آنزیم گلوتامات دهیدروژناز آزاد می شود:

بعد از ورود ازت به صورت نیترات در ریشه گیاه و قبل از اینکه به ازت آلی در ساختمان پروتئین ذخیره ای بذر تبدیل گردد، ممکن است در موقعیت های متفاوت به صورت آمونیاک آزاد شود. در هر یک از این موقعیت ها آمونیک بسرعت به صورت گروه آمیدی گلوتامین دوباره مورد استفاده قرار میگیرد. این واکنش را گلوتامین سنتتاز کاتالیز می نماید. بخش قابل توجهی از ازت گروه آمیدی به سایر اسیدهای آمینه از طریق فعالیت آنزیم گلوتامات سنتاز منتقل می گردد، ولی برخی از گلوتامین ممکن است به طور مستقیم حمل شده و یا مورد استفاده قرار گیرد. (شکل شماره ۲۲۹)

اثبات اهمیت بازیافت آمونیاک به کم استفاده از مهارکننده های ویژه ای نسبت به آنزیم گلوتامین سنتتاز (GS) مانند متیونین سولفوکسیمین و فسینوتریسین امکان پذیر است (شکل شماره ۲۳۸).

استفاده از ترکیبات شیمیایی متیونین سولفوکسیمین و فسینوتریسین در گیاه تأثیر قابل توجهی روی متابولیسم گیاه دارد و باعث می شود تا مقدار زیادی آمونیاک در تمام بافت های آن جمع گردد. در گیاهان C_3 و تا حدودی در گیاهان C_4 به علت کمبود اسیدهای آمینه مورد نیاز برای تبدیل گلی اسیلات به گلیسین در چرخه تنفس نوری، از فتوسنتز ممانعت می گردد. ترکیب اصلی یک علف کش بسیار مهم به نام گلوپوزیتات یا باستا را فسفواینوتریسین تشکیل می دهد. مقاومت به این علف کش را می توان از طریق اصلاح ژنتیکی گیاه به کمک انتقال ژن مقاوم از استروپتومایسس به وجود آورد.

متابولیسم ثانویه

مقدمه

در گیاهان، راههای متابولیکی زیادی برای تولید متابولیت های اولیه وجود دارد که در حیوانات دیده نمی شود. تفاوت دیگری که در راههای متابولیکی گیاهان و حیوانات دیده می شود این است که گیاهان و قارچ ها حاوی راههای متابولیکی متنوعی هستند که از راههای تولید متابولیت های اولیه منشعب شده و منجر به تولید ترکیباتی می شوند که موجود زنده نیازی به آنها از نظر ادامه حیات ندارد. مجموعه این راههای متابولیکی حاشیه ای را متابولیسم ثانویه می نامند. متابولیسم ثانویه در حیوانات آلی بسیار نادر است. البته این راهها را می توان در برخی از انواع حشرات و خزندگان نیز جستجو کرد. فرآورده هایی را که از راههای متابولیکی، مانند لینگنین نقش مهمی در استحکام گیاهان دارند و یا تعدادی از هورمون های گیاهی، کاروتنوئیدها و استرول ها که از طریق راههای متابولیکی ثانویه تولید می شوند نیز وظیفه حیاتی مهمی در گیاهان ایفا می نمایند. بنابراین، این تعریف از فرآورده های راههای متابولیکی ثانویه که فاقد وظیفه مشخص حیاتی هستند، در رابطه با همه گیاهان صادق نیست.

نمی توان بین متابولیسم اولیه و متابولیسم ثانویه اختلاف پایه ای یافت. در هر دو راه متابولیسی واکنش های بیوشیمیایی مشابهی اتفاق می افتد و در هر دو راه، ترکیبات پیچیده شیمیایی به کمک مجموعه چند آنزیمی، از مواد اولیه ساده تر، به دست می آیند. اختلاف عمده این دو را متابولیسی صرفاً در میزان تغذیه راههای پیوسته بعدی و چگونگی کنترل آنها می باشد. در حالی که در متابولیسم اولیه قسمت اعظم کربن، ازت و گوگرد گیاهان مورد مصرف قرار می گیرد، ولی در متابولیسم ثانویه، متابولیت های تولید شده در حد بسیار ناچیز هستند. متابولیسم اولیه در یک فرایند پیچیده و به کمک آنزیم های آلواستریک کنترل می شود، ولی در متابولیسم ثانویه محل انشعاب از واکنش های متابولیسی راههای متابولیسم اولیه، تحت کنترل پیچیده قرار می گیرد.

همان طوی که در شکل شماره ۲۳۹ نشان داده شده است، تعداد معدودی متابولیت اولیه وجود دارد که راههای متابولیسی ثانویه از آنها منشعب می گردند. مهمترین متابولیت های اولیه که منشأ متابولیت های ثانویه به حساب می آیند عبارتند از: فسفوانول پیرووات، پیرووات، استیل - کوآنزیم، ۳- فسفوگلیسرات، اگزالوستات، آلفاگلوکوتاریات و آلفا آمینواسیدها. مطالعات اخیر پیرامون راه ایزوپرنوئید، شرایط این راه را پیچیده تر از قبل نشان می دهد، زیرا در خصوص منبع ایزوپنتیل پیروفسفات یا IPP، ایزوپرن فعال که در ساختن ترین ها استفاده می شود، هنوز به نتیجه قطعی نرسیده

است (شکل شماره ۲۳۹). منبع تولید IPP در حیوانات ، اسید مولونیک است که این اسید از استیل کوآنزیم آ به دست می آید. با وجود این، مطالعات جدید نشان می دهد که این راه متابولیکی فوق را برای تولید IPP مورد استفاده قرار می دهند، به طوری که در نباتات مونوترپن ها و کاروتنوئیدها از ۱- داکسی گزیلولوز در کلروپلاست سلول تولید می شوند و استرول ها از مولونات در سیتوزول سلول به دست می آیند. از خلاصه راه های متابولیکی فرآورده های ثانویه گیاهان که در شکل شماره ۲۳۹ نمایش داده شده است می توان به آسانی نتیجه گرفت که تنوع این محصولات به جای نوع در مواد اولیه مورد استفاده در تولید این ترکیبات ، بستگی به آخرین مرحله تولید آنها دارد. شکل شماره ۲۴۰ راه متابولیکی فنیل پروپانوئید را که در آن لینگنین و فلاونوئیدها تولید می شود، نشان می دهد.

از نظر ساختمان شیمیایی اگر چه برخی از متابولیت های ثانویه دارای شباهت های ساختمانی با پیش ساخت های خود در متابولیسم اولیه هستند، ولی بسیاری دیگر از این ترکیبات از نظر ساختمانی شیمیایی کاملاً از پیش ساخت های خود متفاوت می باشند. به علت اینکه بسیاری از متابولیت های ثانویه خاصیت سمی غیرتخصصی دارند، گیاهان باید مجهز به سیستم بسیار قوی خنثی سازی سم باشند. تا از مسمومیت خود به خودی جلوگیری گردد. مهمترین و فراوان ترین واکنش خنثی سازی آثار سم در گیاهان، واکنش

گلیکوزیلاسیون است که معمولاً از تولید متابولیت ثانویه یا آگلیکن جلوگیری می نماید.

آگلیکن های مولکول قند، محول بوده و از نظر خاصیت سمی بی اثر است. تعداد زیادی از عوامل هسته دوست یا نوکلئوفیل مانند عامل هیدروکسیل (-OH)، عامل تیولی (-SH) و عامل کربوکسیلی (-COOH) می توانند گلیکوزیده شوند. مهمترین قندهایی که در این واکنش شرکت می کند عبارتند از گلوکز، گالاکتوز، گزیلوز و رامنوز. در شکل شماره ۲۴۱ شمای واکنش ترکیب گلوکز با ماده سمی حاوی عامل هیدروکسیل که یک نوع متابولیت ثانویه می باشد. نشان داده شده است. در این واکنش اوریدین -۵- دی فسفوگلوکز (NDP - گلوکز) به عنوان قند فعال مورد استفاده قرار می گیرد. مشتقات UDP فراوان ترین دهندگان قند هستند که در این واکنش ها مورد استفاده قرار می گیرند. واکنش هایی که در آنها UDP- قندها مورد استفاده قرار می گیرد توسط آنزیم های گلوکزیل ترانسفرازها کatalیز می شوند. این آنزیم ها منشاء سیتوپلاسمی دارند و وزن مولکولی آنها حدود ۵۰ کیلو دالتون می باشد و از مجموعه پیچیده ای از ایزوزیمهای مختلف تشکیل شده اند که هم نسبت به ماده مورد اثر خود یا آگلیکن و هم نسبت به UDP- قند مورد نظر تمایل ترکیبی ویژه نشان می دهند. واکنش گلیکوزیلاسیون در همه موارد می تواند از نتیجه ترکیب با یک مولکول قند معین باشد و یا از ترکیب سلسله وار چند قند ساده در واکنش های متوالی تشکیل شده باشد که در هر مرحله یک مولکول

باقیمانده قند ساده به مجموعه قبلی اضافه می گردد. واکنش مهم دیگری که در سیتوزول سلول اتفاق می افتد، استری شدن گروه هیدورکسیل کربن شماره ۶ از باقیمانده مولکول قند توسط اسید مالونیک و تولید واکنش های گلیکوزیلاسیون اثر بسیار مهمی در جاسازی متابولیت های ثانویه دارند، زیرا ترکیبات مرکب قنددار و این متابولیت ها در واکوئل سلول تجمع می یابند. این ترکیبات که در واکوئل ذخیره می شوند از آنزیم های هیدرولیز کننده خود که در سیتوزول سلول موجودند در امان می باشند و در این صورت می توانند مجدداً به ترکیبات ثانویه تبدلی گردند. مهمترین آنزیم های هیدرولیز کننده موجود در سیتوزول سلول عبارتند از استرازها و بتا-گلوکوزیدازها. استرازها، آنزیم هایی هستند که استرهای مالونیلی و گلیکوزیدی را هیدرولیز می نمایند و بتا-گلوکوزیدازها، پیوند اتر گلیکوزیدی بین قند و آگلینکن را تجزیه می کنند. این آنزیم ها بسیار فعال بوده و به صورت چند شکلی ایزوزیمی وجود دارند که در ویژه گزینی نسبت به آگلینکن و باقیمانده های گلیکوزیدی با هم اختلاف دارند. مطالعات اخیر نشان می دهد که ترکیبات مرکب متابولیت های ثانویه با قند به صورت فعال، برگشت پذیر هستند. شواهدی محدودی وجود دارد که نشان می دهد این برگشت پذیری توسط فعالیت آنزیم های هیدرولیز کننده کنترل می شود که محل فعالیت آنها، سیتوزول سلول می باشد. مطالعات جدیدتر احمال دخالت سرعت واردات و صادرات ترکیبات مرکب متابولیت های ثانویه

با قند به داخل و خارج واکوئل را در کنترل برگشت پذیری آنها مؤثر می داند، نحوه عمل ورود و خروج این ترکیبات هنوز در پرده ابهام است، ولی مطالعات نشان می دهد که واکنش مالونیلاسیون اهمیت زیادی در خصوص هدف گیری این ترکیبات نسبت به واکوئل دارد. ری و همکارانش در سال ۱۹۹۸ میلادی نشان دادند که گروهی از کاست های حامل متصل به ATP یا ABC در لایه داخلی غشای سیتوپلاسمی وجود دارند که نقش مهمی در واردات متابولیت های ثانویه به داخل واکوئل ایفا می نمایند.

در سال ۱۹۹۵ میلادی هلتن و کرنیش در مطالعه ای که روی متابولیسم آنتوسیانین گیاه ذرت انجام دادند. اهمیت واکنش گلیکوزیلاسیون و نقش کنترلی واکوئل را در این مورد بخوبی مورد بررسی و تحقیق قرار داد. تجمع رنگدانه های آنتوسیانین در دانه ذرت می تواند تحت تاثیر موتاسیون ژن هایی که آنزیم مؤثر در ورود و خروج ترکیبات مرکب متابولیت های ثانویه (آنتوسیانین) با قند را در واکوئل کنترل می نمایند، قرار گیرد.

مهمترین انواع متابولیت های ثانویه

از مطالبی که تاکنون به عنوان مقدمه بیان گردید، نتیجه می گیریم که با تعداد معدودی پیش ساخت و تعداد مشخصی واکنش بیوشیمیایی می توان به تعداد بسیار زیادی از متابولیت های ثانویه دست یافت. موضوع جالب توجه این است که با توجه به توانایی گیاه در تولید ترکیبات متنوع متابولیت های ثانویه، صرفاً تعداد معدودی از این فرآورده

ها در هر گیاه معین تولید می شوند. گیاهانی که از لحاظ ژنتیکی با هم ارتباط نزدیک دارند می توانند، متابولیت های ثانویه مشابهی تولید نمایند.

این حقیقت مبین آن است که اختلاف موجود در نوع این فرآورده ها، در گیاهان متفاوت، نتیجه حرکت تکاملی گیاهان در طول تحول تاریخی آنها است. اندازه گیر درجه

ارتباط بین گیاهان از نظر نوع متابولیت های ثانویه با مقایسه نوع و میزان این ترکیبات در

گیاهان مختلف، وسیله خوبی برای طبقه بندی گیاهان به حساب می آید که این نحوه

طبقه بندی گیاهی را شیموتاکسونومی می نامند. اختلافات اصلی ما بین چگونه های

مختلف گیاهی از نظر متابولیت های ثانویه مربوط به میزان ایزوپرنوئیدها، آلکالوئیدها و

فنولیک ها، با توجه به تغییرات ساختمان شیمایی و نوع گروههای عاملی جایگزینی آنها،

می باشد. در برخی موارد این اختلاف به علت وجود و یا عدم وجود یک راه کامل

متابولیکی در یک نوع گیاه ویژه نسبت به سایر گیاهان می باشد. به عنوان مثال همه

گیاهان تیره پروانه آسا (نخودیان) حاوی شاخه ای از راه متابولیکی تولید فلاوونوئید

هستند که می تواند ایزوفلاوونوئیدها را تولید نماید و در سایر گیاهان بندرت یافت می

شوند. به همین ترتیب اختلاف در متابولیت های ثانویه گونه های مختلف گیاهان ممکن

است بستگی به وجود یک نوع آنزیم در گونه خاص گیاهی داشته باشد که می تواند

آخرین واکنش متابولیکی ترکیب نهایی را کاتالیز نماید. در این صورت اختلاف موجود بدین این گونه گیاهی و سایرین ناچیز خواهد بود.

الف- متابولیت های ترکیبات فنلی - ترکیبات فنلی، فراوان ترین متابولیت های ثانویه در گیاهان هستند. این ترکیبات از اسیدهای هیدروکسی بنزوئیک، فنیل پروپانوئیدها و ترکیبات مشتق شده از این پیش ساخت ها، تشکیل شده اند. اغلب ترکیبات فنلی از راه متابولیکی اسید شیکیمیک و از طریق فنیل پروپانوئیدها همراه با تولید تعداد کمی از فنل های ساده که از ۳-دهیدرو- شیکیمک اسید مشتق می شوند، به دست می آیند. از نظر سم شناسی گیاهی متابولیت های فنلی بندریت به صورت آگلیکن های آزاد یافت می شوند، اما اغلب به صورت ترکیبات گلیکوزیدی در واکوئل های سلول ذخیره می شوند و یا به صورت ترکیبات مرکبی در دیواره سلولی گیاه وارد می گردند. نمونه هایی از ترکیبات فنلی را می توان در شکل شماره ۲۴۲ مشاهده کرد.

بسیاری از اسیدهای هیدروبنزوئیک، مشتقات ساده ای از پیش ساخت فنیل پروپانوئید هستند. اسید سالیسیلیک که در مقاومت گیاهان در مقابل بیماری بسیار مهم اسید، از سینامیک اسید تولید می شود. گروه مهم دیگر از متابولیت های اسید هیدروکسی بنزوئیک، تانن های قابل هیدرولیز هستند که از استری شدن گلوکز با چندین مولکول

اسید گالیک به دست می آیند. اسیدهای هیدروبنزوئیک ممکن است همچنین به آلدئیدها و الکل های مرتبط مانند وانیلین احیا شوند.

همان طوریکه در شکل شماره ۲۴۲ نشان داده شده است، ترکیبات ناشی از نیل پروپانوئید علاوه بر نقش محوری که در متابولیسم ترکیبات فنلی دارند به عنوان یکی از ترکیبات مهم تشکل دهنده گیاه نیز محسوب می شوند. به عنوان مثال استرکوئینات اسید کافئیک به نام اسید کلروژنیک از ترانس استریفیکاسیون استرگلوکوزیل مربوط به اسید کافئیک با اسید کوئینک به دست می آید. اسید کلروژنتیک به مقدار فراوان در بسیاری از گیاهان یافت می شود. فنیل پروپانوئیدها می توانند فرایند حلقوی شدن را ادامه داده و به ترکیباتی به نام کومارین ها مانند اسکوپولتین تبدیل شوند. کومارین ها به فراونی در گیاهان پراکنده هستند و در فعالیت های بیولوژیکی متعددی شرکت می کنند.

ب- لیگنین- لیگنین از نظر فراوانی، فراوانی، دومین پلیمر موجود در موجودات زنده است که وظایف ساختمانی مهمی در گیاهان ایفا می نماید، بنابراین نمی توان آن را در زمره ترکیبات ثانویه کلاسیک به حساب آورد. با وجود این، لیگنین مستقیماً از متابولیسم فنیل پروپانوئید مشتق می شود. در سال ۱۹۹۵ میلادی بودت و همکارانش نشان دادند که فرایند چوبی شدن یا لیگنیفیکاسیون شامل واکنش های متوالی هیدروکسیله شدن حلقه و میتلاسیون اسید کافئیک تا تولید اسید کوماریک، اسید فرولیک و اسید سیناپیک

می باشد (شکل شماره ۲۴۰). در برخی از گیاهان این اسیدهای حلقوی به صورت آزاد در فرایند چوبی شدن شرکت می کنند و در برخی دیگر به صورت استراسیدها با کوآنزیم A وارد واکنش های پلیمریزاسیون می شوند. اسید کوماریک، اسیدفرولیک و اسید سیناپیک احیا شده و به ترتیب به الکل کوماریل، الکل کونیفری و الکل سیناپیل تبدیل می شوند. این واکنش های بیوشیمیایی توسط آنزیم های وابسته به NADPH به نام دهیدروژنازها کاتالیز می شوند. مشتقات الکی این اسیدهای آلی حلقوی، ناپایدار هستند و در صورت عدم نیاز گلیکولیزه می شوند و یا در صورت نیاز سلولاز طریق تشکیل پیوندهای شیمیایی کربن- کربن و کربن- اکسیژن، در غشای ور به رشد سلول، پلیمریزه شده و به لیگنین تبدیل می شوند. واکنش های پلیمریزاسیون اکسیدی برای تولید لینگنین از طریق تشکیل رادیکال های آزاد فنوکسی توسط آنزیم هایی به نام پراکسیدازها کاتالیز می شوند پلیمر به دست آمده (شکل شماره ۲۴۲) در اطراف فیبرهای نازک سلولز قرار می گیرد. لیگنین، یک پلیمر سخت است و تجمع آن در اطراف سلولز باعث می شود تا سلول بتواند به رشد و افزایش حجم خود ادامه دهد. سلول های چوبی شده قادر به رشد بیشتر نیستند و تمامی وظایف متابولیکی خود را از دست می دهند. عملکرد ترکیب مشترک و قدرت کشش سلولز و طبیعت غیرقابل تراکم لینگنین به این مفهوم است که سلول های چوبی شده، بویژه بسیار قوی و محکم هستند. از این

خاصیت بسیار مهم در استحکام سیستم آوندی گیاهان عالی استفاده شده است. استحکام و مقاومت آوندهای چوبی گیاهان امکان انتقال آب و سایر ترکیبات محلول را تا مسافت زیاد فراهم می آورد. این مطلب، بویژه در درختان دارای اهمیت است و به همین دلیل درصد لیگنین در این گیاهان بیشتر از انواع دیگر بوده و به ۱۵ تا ۲۵ درصد وزن خشک آنها می رسد. ترکیب نسبی هر یک از الکی که به عنوان مونومر در ساختمان لیگنین شرکت دارند. تعیین کننده سخت بودن و یا نرم بودن چوب است، به طوری که لیگنین موجود در چوبهای سخت به طور نسبی، حاوی مقدار کمتری از کونیفریل الکل نسبت به چوب نرم می باشد. کنترل فرایند چوبی شدن از طریق نسخه برداری تمامی آنزیم هایی که در شکل ۲۴۰ نشان داده شده اند انجام می گیرد. در سالهای اخیر علاقه مندی شدیدی به وجود آمده است تا بتوانند از طریق مهندسی ژنتیک میزان چوبی شدن را کنترل نمایند. هدف از این برنامه افزایش قابلیت هضم فرآورده های گیاهی و همچنین تسهیل تولیدکاذب از چوب می باشد. آنزیم هایی که برای رسیدن به این اهداف مورد مطالعه قرار گرفته اند عبارتند از: امتیل ترانسفرازها، سنامویل الکل دهیدروژنازها و پراکسیدازها، در مقالات علمی منتشر شده، درجه های متفاوتی از پیشرفت تاکنون ثبت شده است.

ج- فلاوونوئیدها- گروهی از مشتقات، ترکیبات فنلی هستند که به فراوانی در گیاهان مختلف وجود دارند و از پیش ساخت های شیکیمات و استات و ترکیبات چالکن تولید می شوند. (شکل های شماره ۲۴۰ و ۲۴۳). از ویژگی های بارز ترکیبات فلاوونوئید، داشتن سه ترکیب حلقه ای A، B و می باشد که در شکل شماره ۲۴۳ بخوبی نشان داده شده است. اولین پیش ساخت هایی که در راه متابولیسمی تولید فلاوونوئیدها شرکت دارند، چالکن های ناپایدار می باشند که به آسانی به ایزومر خود یا فلاوونوئید مربوطه تبدیل می گردند. میزان ترکیبات چالکن در گیاهان به علت ناپایداری، بسیار ناچیز است ولی مشتقات آنها پایدار بوده و در گیاهان به فراوانی یافت می شوند. فلاوانون ها معمول ترین پیش ساخت در تولید ترکیبات متعدد و فراوان دیگر مانند فلاوون ها، فلاوونول ها، آنتوسیانین ها، و ایزوفلاوون ها می باشند. تبدیل فلاوانون به این سه مشتق فلاوونوئید، توسط سه آنزیم اکسیژناز معین کنترل می شود.

پلی کتیدها

به طور کلی منشأ تولید متابولیت های ثانویه در قارچ، مولکول های استات می باشد، در حالی که پلی کتیدها در ساختمان شیمیایی متابولیت های ثانویه اغلب گیاهان شرکت می کنند موارد استثنا در گیاهان دیده شده اند. به عنوان مثال ترکیب ضد قارچی پلی استیلین به نام ویرون که در باقلا و همچنین ایزوکومارین ۶-متوکسی ملین که در هویج تولید

می گردد، هر دو به طور مستقیم از استات به دست می آیند (شکل شماره ۲۴۳ و ۲۴۴)
شرکت دارند، همچنین می توانند در متابولیت های مشتق شده از ترپن برای تولید
ترکیبات پیچیده ای، مانند تتراهیدروکانابینل نقش داشته باشند (شکل شماره ۲۴۴).

ایزوپرنوئیدها

ترکیب پنج کربنه ایزوپنتیل پیوفسفات یا IPP، به عنوان یک مونومر فعال (شکل شماره
۲۴۶)، واحدهای ساختمانی تمامی ایزوپرنوئیدها را تشکیل می دهد. در جریان راه
متابولیکی ایزوپرنوئید که در شکل شماره ۲۴۵ نشان داده شده است، ترکیب پنج کربنه
IPP برای ساختن اولین مونوترپن ها حاوی ۱۰ کربن به کار رفته است. سپس در واکنش
های متوالی بعدی، ترکیبات ۱۵ کربنه سسکوئیتترین ها و بعد از آن ترکیبات ۲۰ کربنه
دیتترین ها به دست می آیند.

راه متابولیکی ایوپرنوئید تامین کننده متابولیت های اولیه ضروری گیاهان می باشد. این
متابولیت ها عبارتند از: کاروتنوئیدها، استرول ها و پلی پرنول ها که در انتقال الکترون و
تولید فراورده های ثانویه دخالت دارند. مونوترپین ها، سسکوئیتترین ها و دی ترپن ها
اغلب در متابولیسم ثانویه انواع متعددی از گیاهان مورد استفاده قرار می گیرند، در حالی
که ایزوپرنوئیدها با وزن مولکولی بزرگتر، مانند پلی پرنول ها به عنوان رنگدانه های
غیرتوسستزی گیاهان مانند کروسین، عامل رنگ زرد زعفران، مشارکت دارند. تریترین

های ۳۰ کربنه و استرول ها اغلب به صورت مشتقات ترکیبات قندی یا گلیکوزیدها به عنوان متابولیت های ثانیه در گیاهان وجود دارند. این ترکیبات گلیکوزیدی به ساپونین معروف هستند و به علت نفوذ غیر تخصصی از غشاهای مختلف سلول ، دارای خواص قارچ کشی، حشره کشی ، نرم تن کشی و ماهی کشی می باشند.

در شکل شماره ۲۴۶ دو مورد از مهمترین آنزیم های متابولیسم ثانویه ایزوپرنوئیدها، نشان داده شده اند. آنزیم پرنیل ترانسفراز در تولید ترکیبات متعددی از فراورده های ثانویه شرکت می کند. این آنزیم با استفاده از دی متیل آلیل پیروفسفات و ایزومر IPP،

به عنوان ماده مورد اثر باعث اضافه شدن ایزوپرن می گردد. شکل شماره ۲۴۶ واکنش بیوشیمیایی پرنیلاسیون و کومارین آمبلیفرون را که در تولید فورانوکومارین ها در گیاهان خانواده چتریان شرکت می کند، نشان می دهد. آنزیم های سیکلاز که دارای عمل

اختصاصی نسبت به مونوترپن ها، سسکوئیترپن ها و دیترپن ها هستند، واکنش های انشعابی از واکنش های سلسه وار راه متابولیکی اصلی تولید ایزوپرنوئیدها را کاتالیز کرده و ترکیبات حلقوی متعددی تولید می نمایند. (شکل شماره ۲۴۶). فعالیت این آنزیم ها

همراه با آنزیم های دیگری مانند اکسیدازها و متیلازها باعث به وجود آمدن متابولیت های بسیار متنوعی از یک ترپن معین می گردد. ترکیبات مونوترپن ها و سسکوئیترپن ها اغلب به صورت فرار هستند و بخش اصلی روغن های ضروری گیاهان، اسانس ها و

ترکیبات معطره را تشکیل می دهند. مونوترپن هایی که در شکل شماره ۲۴۶ نشان داده شده اند، هر چند که از نظر ساختمانی شیمیایی بسیار به هم نزدیک هستند، وی دارای عطر و طعم مشخصی می باشند. در اندام ترشی یک گیاه معین، مانند کرکهای گیاهی، روغن های ضروری تولید می شود. در این اندامها مونوترپن ها می توانند مهمترین متابولیت های گیاه باشند و تا ۳۰٪ وزن خشک بافت گیاهی را تشکیل دهند.

علاوه بر شرکت متابولیت های ثانویه ایزوپرنوئید در ساختمان متابولیت های دیگر، این ترکیبات می توانند در پاسخ به رشد گیاه، استرس و آلودگی به طور اختصاصی تولید شوند. فعالیت متابولیکی ویژه ای برای تنظیم تولید ایزوپرنوئیدهای مختلف از طریق (۱) جایابی و فعالیت های محلی راههای متابولیکی مسؤل تولید ترکیبات ایزوپرنوئیدها در محل های بخصوصی از داخل سلول مانند شبکه داخل سلولی و پلاستیدها، (۲) کنترل و تنظیم فعالیت آنزیم هایی که واکنش های انشعابی از راه اصلی متابولیکی اولیه را کاتالیز می نمایند، اعمال می گردد. تنظیم و کنترل راههای متابولیکی تولید ایزوپرنوئیدها، در محل های معینی از سلول های غده سیب زمینی دیده شده است. موقعی که غده سیب زمینی زخمی می شود، یک راه بیوسنتیک فعال می گردد و در نتیجه گلیکوالکالوئیدهای سمی که از مشتقات استرول ها هستند تولید می شود. اگر غده های سیب زمینی در معرض آلودگی قرار گیرند، راه دیگری از راههای متابولیکی تولید ایزوپرنوئید فعال می

شود، که در نتیجه سسکوئیتترین هائی تولید می کنند که خاصیت ضد میکروبی دارند.
دومین نوع کنترل و تنظیم فعالیت تولیدی ایزوپرنوئیدها، تنظیم سرعت نسخه برداری
آنزیم های کاتالیز کننده واکنش های متابولیکی ذیربط می باشد. این آنزیم ها واکنش
های انشعابی را از راه متابولیکی اصلی کاتالیز می نمایند. موقعی که گیاه توتون در
معرض حمله قارچ ها قرار می گیرد. گیاه تبدیل ، سسکوئیتترین ها را برای تولید استرول
متوقف می سازد و به جای آن، همه این ترکیبات را حلقوی کرده و به ترکیبات ضد
قارچی به نام سسکوئیتترین فینوالکسین ها تبدیل می سازد. این هدایت متابولیکی به
کمک کاهش رعایت تولید آنزیم سکوالن سنتتاز و افزایش تولید آنزیم سسکوئیتترین
سیکلاز امکان پذیر است.

متابولیت های ثانویه ازت دار

معمولاً میزان متابولیت های ثانویه ازت دار نسبت به ترکیبات فنلی و ترپنوئیدها در
گیاهان کمتر است، ولی به علت فعالیت حیاتی آنها به عنوان دارو و سم دارای اهمیت
کیفی فراوانی هستند. مهمترین فرآورده ثانویه ازت دار گیاهان، آلکالوئیدها هستند که در
۲۰٪ گیاهان عالی یافت می شوند. در تعداد بسیار زیادی از متابولیت ها، ازت در
گروههای عاملی آنها وجود دارد. سایر محصولات ثانویه حاوی ازت عبارتند از:
گلوکزینولات ها، گلیکوزیدهای سیانوژنی و اسیدهای آمینه غیرپروتئینی.

الف- آلكالوئیدی های مشتق شده از اسیدهای آمینه - اسیدی آمینه لیزین، اورنیتین، فنیل آلانین. تیروزین، تریپتوفان و هیستیدین، منابع ازت اغلب آلكالوئیدهای موجود در گیاهان می باشند. در همه موارد، اولین مرحله در تولید آلكالوئید ذکر بوکسیلاسیون است. این واکنش که توسط ذکر بوکسیلاز ذیربط کاتالیز می شود در محل انشعاب از راه اصل متابولیسم اولیه اتفاق می افتد. پس از حذف عامل کربوکسیل (-COOH) از اسیدای آمینه، آمین های به دست آمده ممکن است مستقیماً در تولید آلكالوئید به کار روند و یا در واکنش های حلقوی شدن شرکت نمایند. برای تشریح چگونگی تولید آلكالوئید تشکیل آلكالوئیدهای پیروئیدین حلقوی از اسید آمینه اورنیتین در شکل شماره ۲۴۷ نشان داده شده است. تولید آلكالوئیدهای حل پیپریدن از اسید آمینه لیزین از طریق راه متابولیکی مشابهی انجام می گیرد. آلكالوئیدها علاوه بر اینکه مستقیماً از اسیدهای آمینه مشتق می شوند، می توانند از ترکیبات متعدد دیگری نیز به دست آیند که برای نمونه به راه تولید نیکوتین و هیوسسیامین در شکل شماره ۲۴۷ اشاره شده است.

ترکیب پیش ساخت های مختلف، می تواند آلكالوئیدهایی تولید نماید که از نظر پیچیدگی ساختمانی از همه متابولیت های ثانویه پیچیده تر بوده و به علت داشتن فعالیت حیاتی متنوع، دارای اهمیت ویژه ای باشند. برخی نمونه های این آلكالوئیدهای بسیار پیچیده را می توان در شکل شماره ۲۴۸ مشاهده کرد. آلكالوئیدهای ایوکوئینولین از

اسیدهای آمینه تیروزین یا فنیل آلانیل مشتق می شوند و نفیل پروپانوئیدها به مرفین خواب آور تبدیل می گردند. علاوه بر فنیل پروپانوئیدها، ایزوپرنوئیدها و پلی کتیدها نیز در ساختن آلكالوئیدهای اصلی مورد استفاده قرار می گیرند. آلكالوئیدهای اندل که از نظر دارویی فعال هستند، مانند استریکنین و وینکریستین از تریپتوفان و ایزوپرنوئیدها مشتق می شوند.

ب- سایر آلكالوئیدها- ترپنوئیدها موقعی که با متابولیت های اسیدهای آمینه ترکیب می شوند در تولید بسیاری از آلكالوئیدها نقش دارند، ولی در موارد معدودی مشتقات استرولی متابولیت های ثانویه ممکن است تمامی اتم های ساختمان آلكالوئید را به استثنای نیتروژن تامین کنند. اتم ازت این آلكالوئیدها در آخرین مرحله راه متابولیکی به کمک ترانس آمپناسیون یا انتقال عامل آمین که احتمالاً از اسید آمینه آرژینین تأمین می گردد، به مولکول آلكالوئید اضافه می شود. متابولیت های ثانویه فوق را آلكالوئیدهای کاذب می نامند که به طور نسبی کمیاب می باشند و به صورت گلیکول آلكالوئیدهای مشتق شده از استرول ها در گونه های گیاهانی از قبیل سیب زمینی و بیخ گازران که قی آور است، دیده می شوند (شکل شماره ۲۴۸). اسید نیکوتینک همچنین می تواند به عنوان یک پیش ساخت ازت دارد در تولید آلكالوئیدها مشارکت داشته باشد و موقعی که با ترکیباتی مانند پیرولیدین ها و پپیریدین ها ترکیب می شود ماده اعتیاد آور نیکوتین را

تولید می نماید (شکل شماره ۲۴۷). نوع مهم دیگری از آکالوئیدها که به طور نسبی در گیاهان کمیاب هستند از متابولیسم مولکول دو حلقه ای پورین مشتق می شوند. به عنوان مثال کافئین از متیلاسیون ۷-متیل گزانتوزین به دست می آید و یکی از متابولیت های مهم برگهای در حال رشد گیاه جای و دانه های نابالغ قهوه می باشد.

ج- ترکیبات قندی ازت دار و سمی - علاوه بر آکالوئیدها، گیاهان حاوی تعداد وسیعی از سایر متابولیت های ثانویه ازت دار سمی می باشند که عموماً به صورت مشتقات قندی ذیربط، در واکوئل سلول های گیاهی ذخیره می شوند. گلوکزینولات ها در

غلظت های بالا و در واکوئل ها تعدادی از گیاهان زراعی مهم خانواده شب بو یا چلیپاییان، مانند دانه شغلم روغنی یا کلزا وجود دارند، این ترکیبات از تعداد قابل توجهی پیش ساخت تولید می شوند و پس از زخمی شدن بافت گیاهی از داخل واکوئل های سلولهای گیاهی آزاد می شوند و توسط آنزیم موجود در سیتوزول سلول به نام میروزیناز هیدرولز شده و به ایزوتیوسیانات سمی تبدیل می گردند (شکل شماره ۲۴۹)

به همین ترتیب، ترکیبات قندی سیانور دار که در بسیاری از محصولات کشاورزی مهم مانند شبدر و مانیوک و برخی از میوه های نرم وجود دارند به عنوان ترکیبات پیش ساخت سم در واکوئل سلول های گیاهی ذخیره می شوند. به عنوان مثال آمیگدالین که در گیلاس های وحشی دیده می شود بعد از زخمی شدن و پاره شدن بافت گیاهی در

یک فرآیند دو مرحله ای هیدرولیز شده و به سیانید هیدروژن و بنزالدئید تبدیل می شود (شکل شماره ۲۴۹). ترکیب قندی ازت دار و سمی مهم دیگری که یکی از متابولیت های ثانویه گیاه به حساب می آید، سیکازین است که در صورت هیدرولیز به یک ترکیب سرطان زا به نام متیل آروکسی متانول تبدیل می شود. ترکیب سمی دیگر ارگانونیتريت ها می باشند که در صورت هیدرولیز در گونه های مختلف گیاه گون به نیتريت های سمی تبدیل می شوند.

د- اسیدهای آمینه غیر پروتئینی - علاوه بر اینکه اسیدهای آمینه غیر پروتئینی مانند هوموسرین، به عنوان ترکیبات حدواسط راههای متابولیکی اولیه نقش دارند برخی از گیاهان بویژه اعضای خانواده پروانه آسا و لاله ، این دسته از اسیدهای آمینه را به عنوان محلول نهایی راههای متابولیکی تولید می کنند که در این صورت این ترکیبات را می توان متابولیت های ثانویه واقعی نامید. اسیدهای آمینه غیر پروتئینی را می توان بویژه در بافت های ذخیره ای گیاهان ، مانند دانه گیاهان تیره بقولات و یا ریبوزوم گیاهان تیره لاله یا زنبق جستجو کرد. بسیاری از اسیدهای آمینه غیر پروتئینی از نظر ساختمانی، آنالوگ اسیدهای آمینه پروتئینی هستند. یکی از این اسیدهای آمینه غیر پروتئینی که به طور کامل مورد مطالعه قرار گرفته است، کاناوانین است که از نظر ساختمان شیمیایی، آنالوگ اسید آمینه پروتئینی آرژینین می باشد (شکل شماره ۲۵۰). اسید آمینه کاناوانین

را می توان در نوعی لوبیا و دانه عدادی از گیاهان خانواده پروانه آسا یافت. اسیدهای آمینه غیر پروتئینی معمولاً برای دام ها و موجودات ذره بینی سمی هستند. شباهت ساختمانی آنها با اسید های آمینه پروتئینی، علت اصلی خاصیت سمی آنها به شمار می آید، زیرا این اسیدهای آمینه می توانند جایگزین اسیدهای آمینه پروتئین در تشکیل ساختمان پروتئین شوند و یا با آنها در انواع مختلف فرایندهای متابولیکی به رقابت پردازند. به عنوان مثال در صورتی که در جریان ترجمه به جای اسیدهای آمینه پروتئینی در داخل ساختمان زنجیر پلی پپتیدی وارد شوند، باعث تولید پروتئینی می گردند که وظیفه اصلی خودش را در واکنش های متابولیکی نمی تواند ایفا نماید. اسیدهای آمینه غیر پروتئینی همچنین در جریان تولید، انتقال و سایر فرایندهای حیاتی ایجاد مزاحمت می کنند.

وظایف متابولیت های ثانویه در گیاهان

در اوایل مطالعه روی نقش متابولیت های ثانویه، وظیفه آنها در رابطه با انسان شناخته شده بود ولی اهمیت آنها در گیاهان بدرستی معلوم نبوده است. در حقیقت تصور اولیه این بوده است که متابولیت های ثانویه نقشی در فعالیت های حیاتی گیاهان ندارند و فقط به عنوان ترکیبات سرریز در نتیجه فرایند مربوط به متابولیسم اولیه به دست می آیند. به عبارت دیگر کربن ازت و گوگرد اضافی گیاه به صورت متابولیت های اولیه به دست

می آیند. به عبارت دیگر کربن، ازت و گوگرد اضافی گیاه به صورت متابولیت های ثانویه تجمع یافته تا به هنگام نیاز مجدداً تجزیه شده و از طریق متابولیسم اولیه مورد استفاده قرار گیرند. در نمونه های محدودی از فرایندهای حیاتی گیاهان، این فرضیه صدق می کند. به عنوان مثال در برگهای در حال رشد چای و دانه های قهوه آلكالوئید پورینی کافئین (شکل شماره ۲۴۸) به ترتیب ۴٪ و ۲٪ وزن خشک را تشکیل می دهد، ولی در جریان بلوغ کافئین تجزیه می شود و ازت آن مجدداً در تولید اسیدهای آمینه و اسیدهای نوکلئیک مورد استفاده گیاه قرار می گیرد. به همین ترتیب اسید آمینه غیرپروتئینی کاناوانین در دانه بقولات که از ۱۰٪ وزن خشک آنها را تشکیل می دهد، به عنوان ذخیره مورد استفاده قرار می گیرد و حداقل بخشی از آن در جریان جوانه زدن دانه به جریان در می آید.

با وجود این در اغلب گیاهان سالم درصد کربن، ازت و گوگرد تثبیت شده در بافت ها بسیار پایین تر از آن است که بتوان متابولیت های ثانویه را به عنوان ترکیبات ذخیره ای مفید این عناصر برای استفاده در متابولیست اولیه قلمداد کرد. اکنون دریافته اند که متابولیت های ثانویه اثر بسیار مهمی در برقراری ارتباط بین گیاهان و محیط اطرافشان دارند. این تفکر از مشاهدات ذیل ناشی شده است:

۱- اختصاصی بودن فرآورده های ثانیه نسبت به گونه گیاهی و تنوع فراوان آنها، بسیار

وسیع تر از آن است که تولیدشان را در گیاهان اتفاقی دانست.

۲- بسیاری از فرآورده های ثانویه نسبت به انواع دیگر، در غلظت های مناسب، فعالیت

بیولوژیکی از خود نشان می دهند.

۳- غلظت متابولیت های ثانویه فعال زیستی در جریان فشارهای حیاتی و غیرحیاتی گیاه

افزایش می یابد.

۴- مطالعاتی که روی موجودات ذره بینی، حشرات و حیوانات انجام گرفته است نشان

می دهد که متابولیت های ثانویه در تشخیص گیاه میزبان حیاتی است.

۵- میکروب های بیماریزای گیاهی و آفات نباتی باید مجهز به سیستم هایی باشند که

آثار سمی متابولیت های ثانویه گیاهی را خنثی نموده تا بتوانند براحتی از گیاه میزبان

استفاده کنند.

۶- می توان به کمک ممانعت کننده ها، اصلاح نژاد گیاه و مهندسی ژنتیک در تولید

متابولیت های ثانویه، بدون اثر منفی روی رشد گیاه، اختلال ایجاد نمود و برای

کمک همین فناوری که می توان به افزایش مقاومت گیاهان در برابر بیماریزها و

آفات دست یافت.

الف- نقش واکنش های متقابل گیاه- میکرب- گیاهان به طور دائم در معرض تعداد وسیعی از انواع میکرب های بیماریزا، بویژه قارچ ها هستند. برخی از انواع این قارچ ها به طور اختصاصی به گیاهان خصای حمله کرده و برخی دیگر در صورت زخمی شدن بافت گیاهی به آن حمله می کنند که آنها را قارچ های فرصت طلب می نامند. در طول مدتی که گیاهان با عوامل بیماریزا به صورت مشترک فعالیت می کنند، گیاهان از خود سیستم های دفاعی چند لایه برای مقاومت در مقابل حمله این عوامل تولید می نمایند و از پروتئین ضد قارچ، پلیمرهای ساختمانی و آنتی بیوتیک ها استفاده می کنند. متابولیسم ثانویه در ساختن پلیمرهای ساختمانی و تولید آنتی بیوتیکهای مختلف در گیاه نقش دارد. از نظر نقش ساختمانی و تولید آنتی بیوتیکهای مختلف در گیاه نقش دارد. از نظر نقش ساختمانی، فنیل پروپانویدها در افزایش توان دفاعی گیاه مهم هستند. این ترکیبات در ساختمان، مهمترین واحدهای ساختمانی پلیمرهای دیواره سلولی، لیگنین، و سوبرین که یک پلیمر خارج سلولی متشکل از اسیدهای چرب و ترکیبات فنلی است، وارد می شوند. این دو پلیمر سرعت در اطراف محل آلودگی تولید می شوند و بافت سالم گیاه را از قسمت آلوده جدا می سازند. تحریک چوبی شدن گیاه، از طریق ایجاد آلودگی، یکی از مهمترین قسمت های پاسخ دفاعی غلات در مقابل زنگ های قارچی است و اهمیت آن را می توان به این طریق نشان داد که با ممانعت انتخابی آنزیم PAL از چوبی

شدن جلوگیری می شود و باعث می شود گیاهی که به طور طبیعی در مقابل این آلودگی مقاوم است از خود حساسیت نشان دهد. ترکیبات فنلی نیز از طریق واکنش های استریفیکاسیون وارد ساختمان سلولز و همی سلولز تشکیل دهنده دیواره سلولی سلول های گیاهی می شوند و به این ترتیب مقاومت آنها را در مقابل آنزیم های هیدرولیز کننده قارچ افزایش می دهند.

گیاهان در حد وسیعی از ترکیبات فنلی، پلی کتیدها و ترپنوئیدها به عنوان آنتی بیوتیک استفاده می کنند. برخلاف آنتی بیوتیکهای قارچی و قارچ کش های مصنوعی، آنتی بیوتیک های گیاهی به طور غیر تخصصی فعالیت می کنند، بنابراین، برای اینکه بتوانند در حد مطلوب فعال باشند باید با غلظت بالایی در گیاه، تولید و تجمع یابند. گیاهان گاهی برای دفاع از ساختار ترکیبی خود فرآورده های ثانویه فعال را در سطح خارجی بافت گیاهی متراکم می کنند. به عنوان نمونه متابولیت های ضد قارچ کومارین در سطح خارجی شاخ و برگ گیاه کرفس انباشته می شوند. در اغلب موارد متابولیت های ثانویه ای که خاصیت آنتی بیوتیکی دارند به صورت ترکیبات قندی مربوطه در واکوئل های سلول و یا متصل به ترکیبات دیواره سلولی ذخیره می شوند. بعد از پاره شدن سلول به کمک عوامل بیماریزا، این ترکیبات ممکن است در اثر فعالیت آنزیم های هیدرولیزکننده موجود در سیتوزول سلول تجزیه می شوند و در اختیار عامل بیماریزا قرار گرفته و به

آگلیکون های فعال ذیربط هیدرولیز می شوند (شرح در شکل شماره ۲۴۱). اهمیت این ترکیبات مزدوج ساختمانی و محصولات ثانویه در مقاومت گیاه در مقابل بیماری، اخیراً مورد تأیید قرار گرفته است این مطالعه که روی یک گیاه اصلاح شده ژنتیکی توتون انجام گرفته، نشان می دهد در صورت تغییر و اصلاح میزان تولید آنزیم PAL حساسیت گیاه نسبت به بیماری تحت تأثیر قرار می گیرد. گیاه توتون معمولاً فلاوونوئیدها و مقدار قابل توجهی اسید کلروژنتیک در خود ذخیره می کند. در گیاهان اصلاح شده ای که میزان تولید آنزیم PAL کمتر از معمول گردد، میزان متابولیت های ثانویه فوق به مقدار قابل توجهی کاهش می یابد و در نتیجه گیاه بیشتر از حد معمول نسبت به عامل آلودگی قارچی سرکوسپورانیکوتیان حساس می شود.

مطالعات نشان می دهد که ترکیبات دفاعی اولیه، بدون پارگی سلول، می توانند به شکل ساختمانی فعال، برای دفاع گیاه در مقابل عامل بیماریزا تبدیل شوند. گیاه می تواند به صورت انتخابی، این ترکیبات مشتق شده از قندها را از واکوئل سلول خارج کرده و آنها را به صورت ترکیبات فعال آنتی بیوتیکی و یا پیش ساخت بلافاصله آنتی بیوتیک، تجزیه و تبدیل کند، این ترکیبات که در اثر تحریک، خاصیت دفاعی پیدا می کنند و از ترکیبات اولیه ذخیره ای پیش سخت های قندی مشتق می شوند و را فیتوانتی سیپین ها می نامند. فیتوانتی سیپین ها یا ترکیبات آنتی بیوتیکی دفاعی دیگری به نام فیتوالکسین ها که آنها

نیز در اثر تحریک به ترکیبات آنتی بیوتیکی تبدیل می شوند، متفاوت هستند. فیتوآلکسین ها وزن مولکولی پایینی دارند و از متابولیت های اولیه در پاسخ به آلودگی گیاه تولید می شوند، فیتوآلکسین ها از نظر ساختمان شیمیایی، متابولیت های بسیار متنوعی هستند که ترکیباتی ماند ایزوفلاونوئیدها و سکوئیتترین ها بهترین نمونه های آنها به حساب می آیند. در گیاهان خانواده پروانه آسا فیتوآلکسین های ایزوفلاونوئید، از شاخه فلاونوئید راه متابولیکی فنیل پروپانوئید تولید می شوند (شکل شماره ۲۴۳). بعد از تولید اسکلت ساختمانی ایزوفلاون، شکل ساختمانی بیشتری مورد نیاز است تا گیاه بتواند بنزوفوران های ضد قارچ مانند مدیکارپین که یک فیتوآلکسین معمولی موجود در بقولات است را تولید نماید (شکل شماره ۲۵۱). مدیکارپین و بنزوفوران های مشابه، می توانند به کمک واکنش احیا، بیشتر متابولیز شده و به ترکیباتی مانند ایزوفلاوان ها و یا با اضافه شدن گروه های ایزوپنتنیل، همان طوری که در شکل شماره ۲۴۶ نشان داده شده است، به سایر ترکیبات تبدیل شوند. از انواع ترپن ها که مهمترین فیتوآلکسین های ضد قارچ می باشند، سسکوئیتترین هائی مانند کپسیدیول (شکل شماره ۲۵۰) هستند که در گیاه توتون تولید می شوند. فیتوآلکسین ها ممکن است از پلی کتیدها مانند ۶-متوکسی ملین در انواع هویج و ویرون در باقلا مشتق شوند. تعجب آور این است که آلکالوئیدهای معدودی به عنوان فیتوآلکسین تشخیص داده شده اند. البته در این مورد نیز

استثنای وجود دارد و آن آلكالیدهای زوفنان تریدین مانند اس-اسکولرین هستن (شکل شماره ۲۵۰). علی رغم تنوع زیاد ساختمانی به نظر می رسد که همه فیتوآلكین ها به روش یکسان عمل می کنند. به این ترتیب که این ترکیبات، شبیه مواد پاک کننده غیریونی، تمام غشای قارچ را از بین می برند.

فیتوآلكسین ها، بویژه نسبت به تنظیم و کنترل تولید آنها در گیاه، توجه زیادی را به خود جلب کرده اند. در همه موارد، تجمع آنها با افزایش تولید آنزیم های مؤثر در تولید آنها در گیاهان همراه است. این موضوع به نوبه خود به افزایش ترجمه ژن های مربوط ارتباط دارد. در مورد راه متابولیکی ایزوفلاوونوئید، این فعال سازی می تواند. به طور قابل توجهی سریع باشد و در عرض چند دقیقه از زمانی که سلول گیاهی حضور عامل بیماریزای قارچی را تشخیص می دهد، اتفاق افتد. سلول گیاهی حضور عامل بیماریزای قارچی را تشخیص اجزای تشکیل دهنده دیواره سلولی و یا استخراج کننده های حاوی ترکیبات قارچ و میزبان شناسایی می کند. راه متابولیکی ایزوفلاوین در برخی از گیاهان خانواده پروانه آسا، مانند یونجه و لوبیای سبز بندرت در گیاهان سالم اتفاق می افتد ولی بعد از آلودگی، میزان فعالیت اختصاصی آنزیم هایی مانند pal و چالکون سنتاز بسرعت افزایش می یابد و ورودی به راه متابولیکی می تواند تا ۱۰۰ برابر افزایش یابد. این پدیده باعث تجمع غلظت های بالاتر از میلی مولار از فیتوآلكسین ها در گیاه می گردد. علاوه

بر اینکه افزایش فعالیت راه متابولیکی فنیل پروپانوئید و فلاوونوئید بسیار سریع است، عمل این راههای متابولیکی بسیار اختصاصی است. به طوری که آلودگی گیاه باعث افزایش زیاد در ورودی از طریق شاخه فلاوونوئید مربوط به راه متابولیکی تولید فنیل پروپانوئید می گردد، ولی ایزوفلاوون هابه جای فلاوون ها و فلاونول ها تجمع می یابند. دلایل این انتخاب در ماده مورد اثر هنوز روشن نیست، ولی شواهدی وجود دارد آنزیم هایی که به طور متوالی در واکنش های بیوشیمیایی راه متابولیکی شرکت دارند، بسیار به هم نزدیک هستند و یا حتی در یک محل جاسازی شده اند.

اهمیت فیتوآلکسین ها در مقاومت بیماریها به طور شفاف توسط برخی از محققین مورد مطالعه قرار گرفته است. ممانعت کننده های شیمیایی که از تولید فیتوآلکسین ایزوفلاوونوئید جلوگیری می کنند، می توانند گیاه سویا را که به طور معمول نسبت به بیماری قارچی فیتوفترا مگاسپرما مقاوم است، حساس نمایند. به همین ترتیب جلوگیری از تولید فیتوآلکسین سسکوئیتراپن در غده های سیب زمینی، آنها را نسبت به بیماری نرمی باکتریایی ریشه آماده تر می سازد. علاوه بر این مطالعات نشان داده است که خاصیت سمی عواملی بیماری زای نخود مربوط به قابلیت آنها در حذف گروه متیلی از فیتوآلکسین نخود به نام پیزاتین می باشد.

این امکان وجود دارد، قارچی مانند اسپرژیلوس نیجر را که در حالت طبیعی بیماریزا نیست، با وارد کردن ژنی که آنزیم پیزاتین دی متیلاز را رمزگشایی می کند تغییراتی به آن داد تا بیماریزا گردد. علاقه مندی شدیدی به وجود آمده است که از طریق مهندسی ژنتیک و تغییر و اصلاح راه های تابولیگی فیتوآلکسین گیاهان، بتوان مقاومت آنها را در مقابل بیماریها افزایش داد. نتیجه جالب و موفقی به کمک تغییر ژنتیکی گیاه توتون با ژنی که قادر به تولید آنزیم استیلبن سنتاز است، به دست آمده است. آنزیم استیلبن سنتاز مربوط به آنزیم چالکن سنتاز است و می تواند از کوماریل کوآنزیم A و مالونیل کوآنزیم A به عنوان ماده مورد اثر استفاده کند، ولی به جای تولید چالکن ها واکنش تشکیل فیتوآلکسین استیلبن ضد قارچ، مانند رزوراترول (شکل شماره ۲۵۰)، را کاتالیز می کند. در توتون حاوی ژن مولد آنزیم استیلبن سنتاز، استیلبن رزوراترول تولید و گردآوری می شود و این گیاه مقاومتر از نوع وحشی توتون نبت به بوتریتیس سینرا می باشد. گیاهان همچنین از متابولیت های ثانویه به عنوان علائم هشدار دهنده، در جریان واکنش متقابل با بیماریزاها، استفاده می کنند. در چندین گونه گیاهی مانند توتون، گندم، خیار و برنج، بعد از اینکه گیاه توسط یک عامل بیماری مورد حمله قرار گرفت، ترکیبات مقاومت در مقابل سایر بیماریزاها را در خود تولید می کند. این مقاومت تحت عنوان مقاومت اکتسابی سیستمیک یا SAR نامیده می شود، زیرا عوامل ایجاد مقاومت، می توانند از یک

قسمت به قسمت دیگر گیاه منتقل شوند. تا سالهای اخیر بر این باور بوده اند که مقاومت اکتسابی سیستمیک یا SAR توسط اسید سالیسیلیک در گیاه به وجود می آید. اسید سالیسیلیک، متابولیتی است که از اسید سینامیک (شکل شماره ۲۴۲) در برگهای آلوده تولید می شود و باعث افزایش حساسیت گیاه و پاسخ سریع منجر به مقاومت آن می شود. مطالعات نشان می دهد که اسید سالیسیک، قبل از ظهور SAR به کمک آوند آبکش گیاه به بقیه قسمت های آن منتقل می شود. تحقیقات نشان داده است، اگر اسید سالیسیلیک به طور قطع برای پاسخ SAR لازم است، ولی علامت هشدار دهنده سیستمیک به حساب نمی آید. با وجود این، روزافزونی به اسید سالیسیلیک، به عنوان یک عامل هشدار دهنده، به وجود آمده است. علت توجه جدید به نقش اسید سالیسیلیک این است که مشتق متیله آن از گیاه آلوده به صورت یک ترکیب قرار در هوا آزاد می شود و می تواند SAR را در نقاط اتصال شاخ و برگ گیاه فعال نماید.

متابولیت های ثانویه علاوه بر اهمیت در فعالیت های دفاعی گیاه علیه موجودات ذره بینی، به عنوان عوامل جذب کننده توسط موجودات ذره بینی خارج از گیاه نیز مورد استفاده قرار می گیرند. به عنوان مثال گونه های مختلف بیماریزای آگروباکتریوم از طریق جذب به متابولیت های فنلی متصاعد شده از محل های زخمی. گیاه میزبان را جایابی می کنند. گیاهان خانواده پروانه آسا یا بقولات نیز مشتقات ترکیبات فنلی ناشی از تولید

فلاوونوئید را مورد استفاده قرار می دهند. استفاده این گیاهان از ترکیبات فنلی جهت جذب باکتری ریزوبیوم به طرف ریشه ها به منظور تولید گره های تثبیت کننده ازت می باشد.

ب- نقش متابولیت های ثانویه در ارتباط متقابل گیاه- آفت- گیاهان دارای ارتباط متقابل پیچیده با دنیای آفات می باشند. این ارتباط به علت نیاز گیاهان به حشرات برای گرده افشانی و تحمل اجباری آنها به عنوان آفات می باشد. محققین بر این عقیده هستند که در همه این ارتباطات متقابل، متابولیت های ثانویه نقش کلیدی را بازی می کنند. از نظر نقش حشرات در گرده افشانی، متابولیت های ثانویه به عنوان رنگدانه های گل و جاذبه های بو مورد استفاده قرار می گیرند. با وجود این، نقش متابولیت های ثانویه به عنوان ترکیبات دفاعی در گیاهان علیه حشرات مزاحم بیشترین توجه را به خود جلب کرده است.

مشاهده این واقعیت که بسیاری از انواع حشرات گیاه خوار فقط از یک و یا تعداد معدودی گیاه میزبان تغذیه می کنند، باعث گردید محققینی مانند ارلیچ و راون علاقه مند به پیشنهاد یک فرضیه علمی شوند. بر اساس این فرضیه، متابولیت های ثانویه در گیاهان نقش تعیین کننده ای در ویژه گزینی بین گیاه میزبان و حشره مزاحم ایفا می نمایند. پیشنهاد شده است که یک آفت یا آفت های ویژه به یک گونه گیاهی معین عادت می

کنند، به طوری که این آفات بخصوص تحت تأثیر ترکیبات ثانویه موجود در گیاه میزبان به عنوان یک عامل دفاعی علیه سایر آفات ندارند، قرار نمی گیرد. بنابراین تنوع بسیار زیاد در انواع گونه های گیاهی این نیاز را به وجود می آورد که ترکیبات بیوشیمیایی متعددی به عنوان ترکیبات دفاعی بر علیه آفات مزاحم تولید کنند و در نتیجه تنوع بسیار زیادی در فراورده های ثانویه گیاهان باید وجود داشته باشد. از طرف دیگر انواع مختلف گونه های آفات، از گیاهان بخصوصی تغذیه می کنند و هر کدام از این حشرات به هنگام تغذیه باید ترکیباتی تولید کنند که بر ترکیبات شیمیایی سیستم دفاعی گیاه میزبان انتخابی خود، اغلب نمایند. یک نمونه مشخص از این نوع ارتباط را می توان در نوعی سوسک بذرخوار به نام کاریدس برازیلینسیس جستجو کرد که لارو این نوع حشره به طرز اختصاصی از دانه های ییک از انواع بقولات به نام دیوکل مگاکارپا تغذیه می کند. مانند سایر گیاهان خانواده پروانه آسا، بذور گیاه دیوکل مگاکارپا ۱۳٪ وزن خشک خود اسید آمینه غیرپروتئینی سمی به نام کاناوانین (شکل شماره ۲۵۱) دارد. سوسک بذرخوار کاریدس برازیلینسیس به کمک تشخیص بین اسید آمینه غیرپروتئینی کاناوانین و اسید آمینه پروتئینی مشابه آن، آرژینین، در جریان تولید پروتئین و انتخاب RNA ناقل، نسبت به ترکیبات بیوشیمیایی دفاعی میزبان خود عادت کرده است. به این ترتیب اسید آمینه کاناوانین در داخل ساختمان شیمیایی پروتئین های حشره، وارد نمی شود. دو نوع از

آنزیم هایی که معمولاً در سایر حشرات وجود ندارد در این سوسک دیده شده است (شکل شماره ۲۵۰). این دو آنزیم یکی آنزیم دامیناز است که در کاتابولیسیم یا تجزیه کاناوانین دخالت دارد و دیگری اوره آز می باشد. این آنزیم، بعد از تبدیل کاناوالین به کانالین و اوره توسط آنزیم آرژیناز، اوره حاصل را به آمونیاک و گاز کربنیک تجزیه می کند و ازت به دست آمده از این واکنش در بازیافت اسید آمینه غیرپروتئینی کاناوانین مورد استفاده قرار می گیرد (شکل شماره ۲۵۰). به نظر می رسد عادت پذیری در سوسک برازیلیسیس، اگر از سایر منابع غذایی استفاده کند، زیان آور باشد، بنابراین حشره به گیاه میزبان مخصوص خود وابسته است.

اختصاصی بودن تغذیه یک آفت از یک گیاه ویژه اغلب به وسیله متابولیت های ثانویه تقویت می شود. فراورده های ثانویه گیاه در مقابل آفات خاصی اشتها آور عمل می کنند و برای سایر گونه های آفات، به عنوان ممانعت کننده از تغذیه هستند. به عنوان نمونه گلوکوزینولات سینیگرین یکالکیل گلوکوزینولات است می تواند نظیر اندول گلوکوزینولات تجزیه شده و به ایزوتیوسیانات سمی، تبدیل شود. گلوکوزینولات سینیگرین به مقدار فراوان در گونه های جنس براسیکا مانند خردل و کلم موجود است. این ماده لارو پروانه کلم پیچ و شته کلم پیچ را در خوردن کلم که به این ماده سمی عادت کرده اند، تحریک می کند. همچنین ترکیبات فراری، مانند ترپنئیدها (شکل شماره

۲۴۶) نقشی در ارتباط متقابل گیاه - حشره ایفا می کنند و می توانند قبل از اینکه حشره

به سطح گیاه برسد این نقش را ایفا نمایند.

اغلب گونه های گیاهی، حاوی تعدادی از متابولیت های ثانویه هستند و طیف وسیعی از

این ترکیبات، حتی اگر اغلب در سطوح نسبتاً پایینی باشند، می توانند در انتخاب میزبان

به وسیله حشرات مشارکت کنند. پذیرش غذا به وسیله لارو پروانه کرم ابریشم، نیازمند

وجود مخلوطی از ترپنوئیدها و فلاوونوئیدها در برگهای گیاه توت می باشد. فقدان

ترکیبات مفید در توت معمولی، باعث می شود تا کرم ابریشم، از گرسنگی تلف شود.

حشرات به طور معمول فاقد متابولیسم ثانویه تولیدی برای تولید ترکیبات دفاعی خود

می باشند، ولی به جای آن در بسیاری موارد، از متابولیت های ثانویه ای که از مواد

غذایی گیاه میزبان به دست می آورند، استفاده می کنند. به عنوان مثال ترکیبات قندی

استروئیدی تغذیه شده توسط لارو پروانه مونا رک از مواد غذایی گیاه میزبان و شیر

گیاهان در بافت های حشره متراکم می شوند. ترکیبات قندی استروئیدی در پروانه های

بالغ به عنوان عامل بازدارنده شکارچیان می باشد. این ترکیبات برای پرندگان، در

صورتی که از این حشرات استفاده کنند، سمی و زیان آور می باشند. متابولیت های

ثانویه گیاه همچنین ممکن است به عنوان فرمون ها به وسیله حشرات، یا به صورت

مستقیم و یا بعد از تغییرات اصلاحی، مورد استفاده قرار گیرند. به عنوان مثال پروانه های

دانید آکالوئید پیرولیزیدین جمع آوری شده از ترشحات گیاه را به عنوان پایه ای برای فرمون های جنسی مورد استفاده قرار می دهند. تغییر و اصلاح متابولیت های ثانویه گیاه معمولاً شامل اکسیداسیون است که در فرایند رفع خاصیت سمی آنها اتفاق می افتد. حشرات گیاه خوار غیرتخصصی مانند ملخ ها یا برخی از گونه های پروانه ها به کمک آنزیم های اکسیداز چند منظوره ، قادر هستند از تعداد وسیعی متابولیت های ثانویه گیاهان رفع سمیت کنند.

گیاهان صرفاً خودشان را محدود به داشتن متابولیت های ثانویه برای مقاصد دفاع بیوشیمیایی بر علیه آفات و عوامل بیماری نمی کنند، بلکه تعدادی از پروتئین های سمی نیز در گیاهان وجود دارند که به نظر می رسد آنها نیز در فعالیت های دفاعی گیاه نقش داشته باشند. موقعی که گیاه در معرض حمله حشرات قرار می گیرد، افزایش تولید پروتئین های دفاعی همراه با افزایش تولید آنزیم های مؤثر در تولید متابولیت های ثانویه مشاهده شده است.

ج- نقش متابولیت های ثانویه در ارتباط متقابل گیاه- مهره داران- پستانداران و پرندگان نیز مانند حشرات می توانند نقش حیاتی در چرخه زندگی گیاهان ایفا کنند. این دسته از موجودات زنده می توانند به عنوان گرده افشان ها یا از بین برندگان بذور، مانند آفات صدمه دهنده گیاهان عمل کنند. گیاهان از متابولیت های ثانویه خود برای جذب و یا دفع

انتخابی حیوانات استفاده کامل می کنند. اهمیت متابولیت های ثانویه گیاه در ارتباط متقابل با مهره داران را در اهلی شدن محصولات زراعی بخوبی نمایش داده شده است. در بستر گذشت زمان و کسب تجربه، بشر بتدریج گیاهان حاوی میزان بالای عطر و طعم و رنگدانه های جذاب را انتخاب کرده است و گیاهان حاوی ترکیبات سمی و نامناسب را از چرخه غذایی خود و حیوانات حذف کرده است. همان طوریکه برای حشرات توضیح داده شد، استراتژی شیمیایی مشابهی، برای جذب گرده افشان های مهره دار، به طور عمده گل های رنگی و معطر، مورد استفاده قرار می گیرد. بسیاری از انواع میوه ها حاوی ترین های فرار و جذب کننده حیوانات و ترکیبات معطر، به علاوه ترکیبات دیگری مانند لاکتون ها، آلدئیدها، و الک های مشتق شده از متابولیسم اسیدهای چرب، می باشند. به عنوان مثال لیمونن (شکل شماره ۲۴۶)، یک مونوترپن بوده و ترکیب اصلی مولد بوی موجود در مرکبات می باشد، در حالی که در موز ترکیب فنلی و جنول برای جذب حیوانات مورد استفاده قرار می گیرد. ترکیبات متابولیسم ثانویه همچنین به عنوان شیرین کننده در میوه ها وجود دارند و می توانند مورد استفاده قرار گیرند. به عنوان نمونه مشتق دی هیدروچالکن به دست آمده از نارینجین (شکل شماره ۲۴۳) موجود در گریپ فروت، ۵۰۰ برابر شیرین تر از ساکارز است.

گیاهان اغلب برای جلوگیری از خورده شدن توسط جانوران و دفاع از خود زرادخانه شیمیایی گسترده ای برای دفاع از خودشان استفاده می کنند. یک استراتژی دفاعی معمول در گیاهان، تولید کردن ترکیبات بدمزه دورکننده جانوران، مانند بسیاری از ترکیبات ازت دار تلخ شامل آلکالوئیدها (شکل شماره ۲۴۹)، می باشد. در برخی از موارد ترکیبات دورکننده حیوانات که در گیاهان تولید می شوند، به عنوان مواد افزودنی غذای مورد استفاده قرار می گیرند. به عنوان مثال مونوپرن هاو ترکیبات آروماتیک تولید شده در علف های وحشی و ادویه ها به عنوان مواد افزودنی برای اصلاح مزه غذاها مورد استفاده قرار می گیرند. گیاهان همچنین از طیف وسیع ترکیبات سمی برای فراری دادن حیوانات از تغذیه خودشان استفاده می کنند که بسیاری از آنها مزه زننده نیز دارند. ترکیبات سمی، مانند زهر گیاه شوکران که یک آلکالوئید پپیریدین است، ممکن است بلافاصله بعد از هضم توسط حیوان، علائم بیماری حادی ایجاد کند. سایر ترکیبات سمی مانند نورسسکوئیتترین پتاکوئیلوسید که در رویش گاههای سرخس دیده می شود، باعث مسمومیت مزمن، کوری و سرطان در حیوانات اهلی می شوند. ترکیب شیمیایی سافرول که در روغن نوعی درخت امریکایی به نام سسفرس پیدا می شود، در جریان متابولیسم در جگر به یک ماده سرطانزایی قوی تبدیل می شود. ترکیبات ثانویه سمی گیاهان ممکن است در موفقیت تولید مثل پستانداران علف خوار از طریق تولید نوزادان ناقص الخلقه

اثر کند. این ترکیبات سمی مانند مصرف آلكالوئیدهای سیب زمینی باعث تغییر شکل جنین در حال رشد (شکل شماره ۲۴۸)، و مصرف چندین نوع ایزوفلاوونوئید موجود در بقولات، باعث جلوگیری از تخمک گذاری می شوند.

د- نقش متابولیت های ثانویه در رابطه متقابل گیاه- گیاهان دارای متابولیت های ثانویه متعددی (به عنوان علف کش و عوامل هشدار دهنده) در برقراری ارتباط با سایر انواع گیاهان می باشند. بسیاری از فرآورده های متابولیسم ثانویه گیاه برای خود گیاه سمی هستند و می توانند برای کنترل رشد سایر گیاهان از گیاه میبان به داخل خاک ترشح شوند، این پدیده را آلوپاتی می نامند. اگر چه گزارشهای زیادی از موارد آلوپاتی در گیاهان منتشر شده است، ولی تعداد معدودی از آنها مورد تأیید قرار گرفته اند. یکی از این موارد که از نظر کشاورزی مهم است، مرض ناشی از شبدر می باشد. به طوری که بعد از استفاده از شبدر قرمز یا سایر گیاهان تیره پروانه آسا به عنوان کود سبز، برای افزایش ازت خاک، این موضوع ثابت شده است که رشد سبزیها و گیاهان زراعی در این نوع خاک دچار اشکال می شود. به نظر می رسد این پدیده مربوط به بالا بودن بسیار زیاد غلظت ایزوفلاوونوئیدهای سمی برای گیاهان و فرآورده های حاصل از تجزیه آنها باشد. این ترکیبات در خاک متراکم می شوند و قدرت جوانه زنی و رشد سایر گیاهان را کاهش می دهند. توانایی درختان گردو در جلوگیری از رشد سایر گیاهان در محیط

اطراف خود، بسیار معروف است. این درختان، ترکیبی به نام تری هیدروکسی نفتالین متصل به قند به عنوان یک متابولیت ثانویه به میزان فراوان تولید می کنند. این ترکیب از برگها و ریشه ای درخت گردو به داخل خاک اطراف درخت نشت می کند و در آنجا ابتدا هیدرولیز می شود و سپس اکسید می گردد و به یک نفتوکوئینون به نام جاگلون (شکل شماره ۲۵۲) تبدیل می شود. جاگلون برای بسیاری از گیاهان ترکیب سمی است و موقعی که غلظت آن در خاک به $10^{-3} M$ برسد، تعداد کمی از گونه های گیاهی قادر به ادامه حیات خواهند بود.

اهمیت متابولیت های ثانویه گیاهی برای انسان

بشر از زمانهای قدیم گیاهان را به عنوان منابع تأمین کننده داروها، ترکیبات شیمیایی مفید، نگهدارنده ها، ترکیبات معطر و رنگدانه ها، مورد استفاده قرار داده است. قسمت اعظم این مواد شیمیایی و ترکیبات متنوع را، متابولیت های ثانویه گیاهان تشکیل می دهند. علاوه بر این، چوب از سلولز متراکم تشکیل شده است و مشتقات ترکیبات فنلی به نام لیگنین، یک ماده ساختمانی قابل استفاده در مصارف متعدد است.

ترکیبات ثانویه تولید شده در گیاهان به طور روز افزون، هم در مصارف خانگی و هم به صورت فراورده های پالایش شده طبیعی، موارد استفاده جدید در داروسازی پیدا می کنند. استفاده از فراورده های طبیعی در داروسازی شاخه اختصاصی جدید در داروسازی

به طور فعال در مورد استفاده از عصاره های گیاهی در روشهای طبیعی درمان بیماری که آن را اثنوبوتانی می نامند، تحقیق می کنند. بسیاری از انواع گیاهان دارویی اصلی تاکنون شناسایی شده اند. به عنوان مثال در جوامع مختلف فرهنگی اثر پوست درخت بید در کاهش تب، مورد تأکید قرار گرفته است. اکنون به این نتیجه رسیده اند که پوست درخت بید حاوی غلظت بالای سالیسین است و خواص دارویی مشابهی با اسید استیل سالیسیلیک که معمولاً آن را به عنوان آسپرین می دانند، دارد. آلکالوئیدهای گیاهی نیز بویژه منابع غنی از ترکیبات دارویی هستند. آلکالوئیدهای تروپان به نام هیوسی آمین (شکل شماره ۲۴۷) و اسکوپل آمین که از پیرولیدین ها مشتق شده اند، دارای تعدادی از فعالیت های بیولوژیکی شامل آرام کننده ملایم ماهیچه می باشند. از نظر تاریخی، هیوسی آمین که به داروی آتروپین معروف است از نومی گیاه خانواده تاج ریزی به نام بلادن یا بنگ دانه استخراج شده است بلادن که به معنای زن زیباست از زنان دوران رنسانس اروپا گرفته شده است. این زنان از آتروپین موجود در عصاره گیاه تاج ریزی برای انبساط مردمک به منظور افزایش جذابیت استفاده می کردند و این ماده هنوز هم در چشم پزشکی مورد استفاده قرار می گیرد. آلکالوئیدهای تروپان مفید هستند و در سطح تجاری هنوز از گیاهان دارویی، مانند دوبروزیا جدا می شوند. این گیاه که از گیاهان خانواده بادمجانیان است نسبتاً براحتی تحت تغییر و اصلاح ساختار ژنتیکی توسط

فناوری مهندسی ژنتیک قرار می گیرد. میزان اسکوپل آمین در گیاه بلاذن به وسیله انتقال ژن مولد آنزیم هیوسیامین-۶-بتاهیدروکسیلاز به دست آمده از هیوسیاموس نیجر افزایش یافته است. این آنزیم، هیوسیامین را به ترکیب مفید تر اسکوپل آمین تبدیل می کند. یک نوع آلکالوئید ایزوکوئینولین به نام مرفین که از گیاه خشخاش مولد تریاک جدا می شود، اگر چه اعتیادآور است، ولی به علت اینکه از بین برنده درد است، هنوز به طور معمول مورد استفاده قرار می گیرد. متیلاسیون یا استیلاسیون مرفین منجر به تولید تعدادی از داروهای نیمه سنتتیک، مانند کدئین و هروئین می شود آلکالوئیدهای اندول نیز همچنین جزو داروهای فعال مهم هستند. استریکنین (شکل شماره ۲۱۸) که به عنوان مهمترین متابولیت در بذور سمی درخت آسیایی جوز المقی یا کچوله موجود است، سمی معروف می باشد ولی در گذشته به عنوان تقویت کننده اعصاب مورد استفاده قرار می گرفته است. ترکیبات مشتقی، مانند کیواررین و توکسیفرین که از دواستریکنین تشکیل شده اند، ترکیبات فعال موجود در کیوریر هستند و به عنوان آرام کننده قوی عضلات در روشهای جراحی مورد استفاده قرار می گیرند. متابولیت های ثانویه گیاهی همچنین به عنوان تأمین کننده داروهای ضد سرطان، مفید می باشند. وینکریستین و وینبلاستین که از گروه آلکالوئیدهای اندول هستند در گل تلگرافی ماداگاسکار تولید می شوند و در درمان بیماری سرطان لنفیت یا مرض هوجکین و بیمار لوکیمی مورد استفاده قرار می گیرند.

بمیاری لوکیمی در اثر نقص فعالیت دستگاههای مولد خون ایجاد شده و سبب ازدیاد مفرط گلبول سفید خون می گردد. به طور تقریب برای تولید ۱ گرم وینکریستین، ۵۰ کیلرم از مواد گیاهی لازم است. به علت اینکه راندمان تولید این ترکیب مهم دارویی از گل تلگرافی بسیار کم است، اشتیاق استفاده از مهندسی ژنتیک برای افزایش تولید این آلکالوئیدها وجود دارد. برای رسیدن به این هدف، کوشش های اولیه، بیشتر به افزایش تولید آنزیم تریپتوفان دکربوکسیلاز، اولین آنزیم راه متابولیسی تولید این آلکالوئیدها، متمرکز شده است. داروی ضد سرطان مهم دیگری از گیاه سرخدار اقیانوس آرام استخراج شده است.

علاوه بر اهمیت متابولیت های ثانویه در ساختن داروهای گیاهی، شواهد بیشتری نشان می دهند که این ترکیبات در سلامتی عمومی انسان نیز بسیار مهم هستند. برخی از متابولیت های ثانویه، به طور عمده فلاوونوئیدها و ترکیبات فنلی، به عنوان جلوگیری کننده از اکسیداسیون، گیرندگان انواع فعال اکسیژن، و ممانعت از مسمومیت سلولی در انسان فعالیت می کنند. به نظر می رسد سایر فراورده های متابولیسم ثانویه، مانند گلوکزینولات ها، برای انسان به طور انتخاب برای سلول های آماده گرفتن سرطان سمی باشند و یا می توانند سیستم داخل ضد سم بدن را، برای اینکه خطر تشکیل سلول های سرطانی را کاهش دهند، تقویت کنند.

علاوه بر اهمیت بارزی که مشارکت متابولیت های ثانویه در مزه و رنگ مواد غذایی گیاهی خواهند داشت، علاقه مندی زیادی به وجود آمده است تا متابولیت های ثانویه را به عنوان افزودنی های مواد غذایی برای جایگزین کردن ترکیبات سنتتیک، توسعه دهند، بویژه کیفیت نگهدارندگی و ممانعت از اکسیداسیون مشتقات فینیل پروپانوئید، این ترکیبات را به عنوان افزودنی های طبیعی مواد غذایی مطلوب می سازد. تانن های متراکم (شکل شماره ۲۴۲) و همچنین تانن های هیدرولیز شده (شکل شماره ۲۴۳) هر دو از مدتها قفل برای افزایش نگهداری محصولات طبیعی و صاف کردن محلول ها مورد استفاده قرار گرفته اند. این ترکیبات همچنین به عنوان عوامل تغییر ماهیت دادن و غیرطبیعی کردن پروتئین ها عمل می نمایند. اضافه بر مارکت روغن های روری در مزه، طعم و بوی مواد غذایی همچنین از ترکیبات مهم تشکیل دهنده عطرها نیز به شمار می آیند. روغن های ضروری از گیاهان به روش تقطیر استخراج می شوند.

این موضع ثابت شده است که متابولیت های ثانویه گیاهی در تشخیص اولیه فعالیت های بیولوژیکی مفید بسیار سودمند هستند و متعاقب آن می توانند به کمک شیمی سنتتیک تغییر و اصلاح شوند. نمونه بارز آن را می توان در پیرترین ها، ترکیبات ترپنی که در گل مروارید تولید می شوند، جستجو کرد. شکل طبیعی ترکیبات پیرترین ها بسیار حساس تر و ناپایدارتر از آن هستند تا بتوانند به عنوان حشره کش های مؤثر مورد

استفاده قرار گیرند. با وجود این، بعد از کشف ساختمان پیرترین در دهه ۱۹۷۰ میلادی، مشتقات پیرتروئیدی آنها به صورت سنتتیک تولید شدند و در حال حاضر یکی از مهمترین حشره کش های موجود در بازار به حساب می آیند. چنین اکتشافاتی در حال حاضر رو به گسترش می باشند و متابولیت های ثانویه گیاهان به علت تنوع فعالیت زیستی خود می توانند در بستر این اکتشافات جدید باقی بمانند. گیاهان کماکان یک منبع غنی از داروها و ترکیبات شیمیایی جدید به حساب می آیند.